

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقدنامه فقه و حقوق

به کوشش

سید فضل‌الله موسوی

سید مهدی موسوی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۳

سرشناسه: موسوی، سیدفضل‌الله، ۱۳۳۲ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: نقدنامه فقه و حقوق/به کوشش سید فضل‌الله موسوی، سیدمهدی موسوی.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۱۰۵ص.

شابک: 978-964-426-741-3

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: کتاب‌های درسی -- ایران -- ارزشیابی

موضوع: فقه -- کتاب‌های نقدشده

موضوع: حقوق -- کتاب‌های نقدشده

شناسه افزوده: موسوی، سیدمهدی، ۱۳۶۳ - گردآورنده

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۸ م ۹ الف / ۳۰۴۸ LB

رده بندی دیویی: ۳۷۱/۳۲۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۰۷۵۳۶



نقد نامه فقه و حقوق

به کوشش: سید فضل‌الله موسوی و سید مهدی موسوی

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانچی

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی‌زارع

آماده سازی: عرفان بهار دوست

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: آنتینا کمالی‌ها

طراح روی جلد: مجید اکبری کلی

اجرای جلد: فرزانه صادقیان

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: الغدير

ردیف انتشار: ۹۳-۲۱

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-741-3

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۷۴۱-۳

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
حقوق بین الملل خصوصی.....	۱۷
آیین دادرسی مدنی ج اول.....	۱۸
کلیات و مبانی علم حقوق.....	۱۹
دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی).....	۲۰
حقوق مدنی ج ۱.....	۲۱
آیین دادرسی مدنی و بازرگانی.....	۲۲
حقوق مدنی (عقود تملیکی، معاملات معوض).....	۲۳
حقوق تجارت (جلد اول).....	۲۸
ارث.....	۳۲
مختصر حقوق خانواده.....	۳۵
حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد.....	۳۸
مباحثی از حقوق تجارت بین الملل.....	۴۱
مباحث تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری.....	۴۳
حقوق تجارت.....	۴۶
آیین دادرسی مدنی ج ۱.....	۴۸
حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال.....	۵۳
حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت).....	۵۴
حقوق جزای اختصاصی.....	۵۵
حقوق جزای عمومی (جلد ۱ و ۲).....	۶۰

۶۴ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی
۶۶ حقوق جزای عمومی ایران، جلد ۱
۶۹ حقوق جزای عمومی ج ۲
۷۳ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول)
۷۳ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد دوم)
۷۳ ناشر: مجتمع آموزش عالی قم
۷۷ مقدمه علم حقوق و نظام جمهوری اسلامی ایران
۷۹ حقوق اساسی
۸۲ گفتارهایی در حقوق عمومی
۸۳ حقوق تطبیقی
۸۴ حقوق محیط زیست در ایران
۸۷ قواعد فقه
۹۱ قواعد فقه بخش مدنی (۲)
۹۴ فقه سیاسی ج ۲
۹۵ فقه سیاسی ج ۳
۹۹ قواعد فقه مدنی
۱۰۱ فهرست منابع

معرفی و خلاصه عملکرد گروه فقه و حقوق شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

الف) مقدمه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یک مؤسسه پژوهشی است. وظیفه این مرکز، مطالعه در حوزه علوم انسانی (حقوق، علوم اجتماعی، ادبیات، تاریخ، فلسفه و ...) است. شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی می‌باشد و بنا به تأکید مقام معظم رهبری تشکیل شده است؛ هدف آن، نقد متون و کتب درسی دانشگاهی در حوزه علوم انسانی می‌باشد. گروه فقه و حقوق شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی نیز یکی از اجزاء شورای مذکور می‌باشد که در حوزه تخصصی فقه و حقوق، به بررسی و نقد متون و کتب حقوقی و فقهی می‌پردازد. گروه فقه و حقوق در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۲۹ فعالیت خود را آغاز نمود و در حال حاضر، ضمن همکاری با حدود ۱۰۰ داور از دانشکده‌های حقوق دانشگاه‌های سراسر کشور و با برگزاری هشتاد جلسه تخصصی، حدود ۲۰۰۰۰ صفحه از متون تخصصی فقهی و حقوقی (که بیشتر در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند) را داوری (هر کتاب حداقل دوبار داوری می‌شود) و نقد کرده است که امید آن می‌رود تا آثار مثبت اقدامات مذکور به تدریج آشکار شود. موارد زیر مورد تأکید گروه فقه و حقوق می‌باشد:

- ضرورت گسترش فرهنگ نقد، در عین پرهیز از هرگونه اظهار نظر غیر علمی و همراه با استهزاء و توهین

- لزوم کارآمدی و به روز بودن محتوای کتب درسی دانشگاهی

۶ نقدنامه فقه و حقوق

- لزوم تعیین دقیق معیارهای بررسی متون درسی برای تمام رشته‌های حقوق در تمام مقاطع تحصیلی
- ضرورت پرداختن به رشته‌های جدید حقوق متناسب با نیازهای روز
- لزوم بیان مطالب فقهی به زبان جدید و امروزی

ب) ترکیب گروه:

- متشکل از اعضای گروه، دبیر گروه، داوران گروه است.
- ۱- اعضای گروه: گروه فقه و حقوق در ابتدای، در سال ۱۳۷۵، ۵ نفر عضو داشت. هم‌اکنون گروه ۱۴ عضو دارد که اعضای مذکور از اساتید برجسته و طراز اول حوزه علمیه و هیئت علمی دانشکده‌های حقوق می‌باشند که هر یک از ایشان در گرایش‌های مختلف حقوق (خصوصی، جزا و جرم‌شناسی، بین‌الملل و عمومی) تخصص دارند.
 - ۲- دبیر گروه: اهم وظایف دبیر گروه عبارت است از: ۱- پیگیری مصوبات گروه در زمینه‌های مختلف ۲- برقراری ارتباط مستمر با اعضاء و داوران گروه ۳- اطلاع‌رسانی در خصوص فعالیت‌های گروه (این مهم از طریق خبرنامه شورای بررسی متون انجام می‌پذیرد) ۴- پیگیری امور مربوط به همایش‌های گروه.
 - ۳- داوران گروه: گروه در حال حاضر با بیش از ۹۰ داور، همکاری دارد. با توجه به تخصص هر داور، نقد و بررسی کتاب‌ها و متون درسی به ایشان واگذار می‌شود. همکاری اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با گروه فقه و حقوق به عنوان داور هیچ محدودیت خاصی ندارد و هر یک از اعضای هیئت علمی دانشکده‌های حقوق سراسر کشور در صورت تمایل می‌توانند با گروه فقه و حقوق مکاتبه نموده و تمایل خود را برای داوری اعلام دارند و در صورت دارا بودن شرایط علمی و تخصصی لازم، پذیرفته خواهند شد.

ج) فعالیت‌های گروه

- عمده فعالیت‌های گروه عبارت‌اند از:
- ۱- نقد و بررسی متون و کتب درسی دانشگاهی در زمینه فقه و حقوق
 - ۲- تدوین و تألیف کتب درسی و حمایت از تدوین و تألیف کتب درسی
 - ۳- برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی در رابطه با فقه و حقوق
 - ۴- سفارش مقالات نقد

مقدمه ۷

۵- ارتباط مستمر با ناشران حقوقی و مؤسسات پژوهشی فعال در زمینه فقه و حقوق. در توضیح موارد فوق، مطالب زیر را می‌توان بیان داشت:

۱- نقد و بررسی متون و کتب درسی دانشگاهی در زمینه فقه و حقوق

نقد و بررسی متون و کتب درسی، عمده‌ترین فعالیت گروه به شمار می‌رود که نقد و بررسی حدود ۲۰۰۰۰ صفحه از متون و کتب درسی تخصصی فقه و حقوق از ثمرات آن است. روند فعالیت به این صورت است که پس از تصویب لزوم نقد و بررسی کتب پیشنهادی از سوی اعضای گروه و یا کتب اهدایی ناشران مختلف، گروه حداقل دو داور را انتخاب می‌کند حداقل دو تن از داوران و برای هر یک، یک جلد کتاب به همراه اوراق مخصوص نقد و بررسی ارسال می‌شود و داوران می‌بایست در مهلت مقرر، نسبت به داوری کتب ارسالی اقدام نمایند و آن‌را به گروه عودت دهند. پس از عودت کتاب نقد هر داور را یکی از اعضای گروه بازبینی می‌نماید و در صورت تأیید کیفیت داوری، نسبت به پرداخت حق الزحمه داور اقدام می‌شود. و کتب ارسالی داوری هم، به ایشان اهدا می‌شود. هر کتاب باید حداقل ۲ بار داوری و بازبینی شود. البته، لازم به ذکر است که گاهی اوقات به دلیل ضرورت و یا اختلاف نظر دو داور قبلی، کتاب سه بار یا بیشتر داوری می‌شود و در برخی موارد نیز به دلیل ضعف بیش از حد کتاب از حیث شکلی و محتوایی، کتاب با یکبار داوری از دستور کار گروه خارج می‌شود. در نهایت، پس از انجام دو بار داوری و بازبینی، گروه در جلسه تخصصی، آنها را ارزیابی نموده و نظر نهایی خود را در مورد آن اعلام می‌دارد.

۲- تدوین و تألیف کتب درسی و حمایت از مؤلفین

یکی دیگر از اهداف اصلی گروه فقه و حقوق که در حال حاضر در اولویت قرار گرفته است، تدوین و تألیف کتب درسی توسط اعضای گروه و یا حمایت از مؤلفین رشته‌های فقه و حقوق می‌باشد. در یک جمع‌بندی آماری، می‌توان جدول زیر را ارائه نمود:

۸ نقدنامه فقه و حقوق

سهم متون نقد و بررسی شده به درصد	رشته تخصصی
۳۵٪	خصوصی
۲۴٪	جزا و جرم‌شناسی
۸٪	بین‌الملل
۱۱٪	عمومی
۲۲٪	فقه

در آخر، لازم به ذکر است که گروه فقه و حقوق، حداقل ماهی یکبار، اقدام به برگزاری جلسات تخصصی (به مدت حداقل ۳ ساعت) می‌نماید. و در زمینه‌هایی که لزوم نوآوری در تألیف احساس می‌شود و یا به نظر می‌رسد که در آن زمینه خلاء وجود دارد، پس از تصویب لزوم پرداختن به موضوع مورد بحث در گروه، در مورد چارچوب تألیف و سر فصل‌های مورد نیاز و ضروری آن تصمیم‌گیری می‌شود و حسب مورد، تألیف به یک یا چند تن از اعضای گروه و یا افراد متخصص و مؤسسات تحقیقی دیگر سپرده می‌شود. شایان ذکر است که در حال حاضر طرح‌های ارزشمندی در گروه تصویب شده است که در آینده نزدیک چاپ می‌شوند.

۳- برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی

آخرین اقدام گروه در این خصوص، برگزاری همایش «رشته‌های حقوق، آسیب‌تها و توسعه حقوقی» در تاریخ ۲ و ۳ آذر ماه ۸۵ در مشهد مقدس می‌باشد که استقبال بسیار خوبی از سوی اساتید و دانشجویان حقوق سراسر کشور

۴- سفارش مقالات نقد

این مهم به دو صورت انجام می‌شود: حالت اول، از داوران تقاضا می‌شود تا علاوه بر داوری، مقاله نقدی را نیز در رابطه با کتابی که داوری کرده‌اند، تهیه و به گروه تحویل دهند.

حالت دوم، از طریق فراخوان از کلیه اساتید رشته‌های فقه و حقوق، درخواست می‌شود تا مقالات نقد خود در رابطه با کتب درسی دانشگاهی را به گروه ارسال نمایند. قابل ذکر است که مجموعه مقالات نقد جمع‌آوری شده در گروه، به زودی در فصلنامه «نامه علوم انسانی» به صورت یک ویژه نامه منتشر خواهند شد.

مقدمه ۹

در مجموعه حاضر سعی بر آن بوده است تا بخشی از تلاش‌های مستمر گروه فقه و حقوق شورای بررسی متون در خلال بیش از یک دهه فعالیت، ارائه شود و هدف از این اقدام نیز اعتلای فرهنگ نقد و نقد پذیری و جمع آوری نظرات اساتید صاحب اندیشه در خصوص نقد متون و کتب درسی دانشگاهی در زمینه فقه و حقوق بوده است تا به لطف خداوند با برطرف کردن کاستی‌ها و خلاء‌های موجود و پاسخگویی به نیازهای جامعه علمی و دانشگاهی، به‌طور خاص و عموم مردم، به‌طور عام، راه ترقی ایران عزیز را با سرعت هر چه بیشتر بیمائیم.

رئیس گروه فقه و حقوق
دکتر سید فضل الله موسوی

پیشگفتار

این مجموعه که بر اساس فعالیت های مستمر و پیگیری های مداوم گروه فقه و حقوق شورای بررسی متون و دبیرخانه مهیا گردیده است، حاوی نکات نقادانه و دقیقی در حوزه کتب مختلف فقهی و حقوقی موجود و معتبر است. هر کتاب موجود در این مجموعه حداقل ۲ بار توسط اساتید مطرح کشور داوری و بازبینی شده است. البته، لازم به ذکر است که در پاره ای از موارد به دلیل ضرورت و یا اختلاف نظر دو داور، کتاب به داوری سوم سپرده شده است. در برخی موارد نیز به دلیل ضعف بیش از حد کتاب، از حیث شکلی و محتوایی، کتاب با یکبار داوری از دستور کار گروه خارج شده است که اینگونه کتب در این مجموعه قرار نگرفته است. در نهایت، پس از انجام دو بار داوری و دو بار بازبینی، گروه در جلسه تخصصی، آنها را ارزیابی نموده و نظر نهایی خود را در مورد آن اعلام کرده است. کتابهایی که در این مجموعه مورد نقد قرار گرفته اند، به ترتیب بدین شرح می باشند:

- ۱- نصیری، محمد؛ *حقوق بین الملل خصوصی*، آگاه، سوم، تهران، ۱۳۷۵
- ۲- شمس، عبدالله؛ *آیین دادرسی مدنی ج اول*، میزان، اول، تهران، ۱۳۸۰
- ۳- مدنی، جلال الدین؛ *کلیات و مبانی علم حقوق*، پایدار، ششم، تهران، ۱۳۸۱
- ۴- کاتوزیان، ناصر؛ *دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)*، یلدار، دوم، تهران، ۱۳۷۴
- ۵- صفایی، سیدحسین؛ *حقوق مدنی ج ۱*، میزان، اول، تهران، ۱۳۷۹
- ۶- صدرزاده افشار؛ *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، قلم، سوم، قم، ۱۳۷۴
- ۷- کاتوزیان، ناصر؛ *حقوق مدنی (عقود تملیکی، معاملات معوض)*، شرکت انتشار، ششم، تهران، ۱۳۷۴

۱۲ نقدنامه فقه و حقوق

- ۸- اسکینی، ربیعا؛ **حقوق تجارت (جلد اول)**، مهر، دوم، قم، ۱۳۷۷
- ۹- شهیدی، مهدی؛ **ارث**، سمت، اول، تهران، ۱۳۷۴
- ۱۰- صفایی، حسین؛ و امامی، اسداله؛ **مختصر حقوق خانواده**، دادگستر، دوم، تهران، ۱۳۷۸
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر؛ **حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد**، دانشگاه تهران، اول، تهران، ۱۳۷۴
- ۱۲- اسکینی، ربیعا؛ **مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل**، نشر دانش امروز، اول، تهران، ۱۳۷۱
- ۱۳- تفرشی، محمدعیسی؛ **مباحث تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری**، دانشگاه تربیت مدرس، اول، تهران، ۱۳۷۸
- ۱۴- عبادی، محمد علی؛ **حقوق تجارت**، گنج دانش، اول، تهران، ۱۳۷۵
- ۱۵- مردانی، نادر؛ و بهشتی، محمد جواد؛ **آیین دادرسی مدنی ج ۱**، میزان، دوم، تهران، ۱۳۸۱
- ۱۶- ولیدی، محمد صالح؛ **حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال**، امیرکبیر، دوم، تهران، ۱۳۶۹
- ۱۷- میرمحمد صادقی، حسین؛ **حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)**، میزان، سوم، تهران، ۱۳۷۶
- ۱۸- گلدوزیان، ایرج؛ **حقوق جزای اختصاصی**، مؤسسه انتشاراتی جهاد دانشگاهی، پنجم، تهران، ۱۳۷۵
- ۱۹- شامببائی، هوشنگ؛ **حقوق جزای عمومی (جلد ۱ و ۲)**، ویستار، پنجم، تهران، ۱۳۷۴
- ۲۰- پیمانی، ضیاءالدین؛ **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، میزان، اول، تهران، ۱۳۷۴

پیشگفتار ۱۳

۲۱- گلدوزیان، ایرج؛ *حقوق جزای عمومی ایران*، جلد ۱، دانشگاه تهران، اول، تهران، ۱۳۷۳

۲۲- صانعی، پرویز؛ *حقوق جزای عمومی ج ۲*، گنج دانش، اول، تهران، ۱۳۷۲

۲۳- هاشمی، سیدمحمد؛ *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول)*، دانشگاه شهید بهشتی، اول، تهران، ۱۳۷۴

۲۴- هاشمی، سیدمحمد؛ *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد دوم)*، مجتمع آموزش عالی قم، اول، قم، ۱۳۷۵

۲۵- یثربی، سیدعلی؛ *مقدمه علم حقوق و نظام جمهوری اسلامی ایران*، دفتر نشر نوید اسلام، دوم، قم، ۱۳۷۶

۲۶- طباطبایی مومنی، منوچهر؛ *حقوق اساسی*، میزان، اول، تهران، ۱۳۸۰

۲۷- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل؛ *گفتارهایی در حقوق عمومی*، دادگستر، اول، تهران، ۱۳۷۵

۲۸- بارگاهی، محمدرضا؛ *حقوق تطبیقی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، اول، تهران، ۱۳۷۶

۲۹- تقی‌زاده انصاری، *حقوق محیط زیست در ایران*، سمت، اول، تهران، ۱۳۷۴

۳۰- محمدی، ابوالحسن؛ *قواعد فقه*، نشر یلدا، دوم، تهران، ۱۳۷۴

۳۱- محقق داماد، *قواعد فقه بخش مدنی (۲)*، سمت، اول، قم، ۱۳۷۴

۳۲- عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی ج ۲*، امیرکبیر، سوم، تهران، ۱۳۷۳

۳۳- عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی ج ۳*، امیرکبیر، اول، تهران، ۱۳۶۷

۳۴- لطفی، اسداله؛ *قواعد فقه مدنی*، سمت، اول، تهران، ۱۳۸۱

برخی از اساتیدی که در این مجموعه با گروه فقه و حقوق همکاری داشته و داوری‌ها و بازبینی‌های نقادانه و دقیقی را داشته‌اند، بدین شرح می‌باشند: جناب آقای حجت الاسلام و المسلمین دکتر توجهی، جناب آقای حجت الاسلام و المسلمین دکتر ارسطاء،

۱۴ نقدنامه فقه و حقوق

جناب آقای دکتر سید محمد حسینی، جناب آقای دکتر محسن برهانی، جناب آقای دکتر حاجی ده آبادی، جناب آقای دکتر حسن مرادی، جناب آقای دکتر میرسیدی، جناب آقای دکتر محمودی، جناب آقای دکتر عبدی پور، جناب آقای دکتر عباس کریمی، جناب آقای دکتر سید فضل الله موسوی، جناب آقای دکتر خوش بیان، جناب آقای دکتر بهرامی، جناب آقای دکتر رنجیریان، جناب آقای دکتر پروین، جناب آقای دکتر ایرانپور، جناب آقای دکتر موسی زاده، جناب آقای دکتر رسمتی، جناب آقای دکتر قاسم زاده، جناب آقای دکتر جاوید و جناب آقای دکتر فرحزادی.

ضمن تقدیر و تشکر از زحمات ریاست محترم گروه فقه و حقوق، جناب آقای دکتر سید فضل الله موسوی جهت ساماندهی شرایط مناسب برای انجام نقد کتب مختلف و متعدد که امیدواریم همچنان ادامه یافته و در آینده نیز افزایش کمی و کیفی داشته باشد و ضمن تقدیر و تشکر از کلیه همکاران و اساتید مجموعه نقدنامه، به اطلاع خوانندگان محترم می‌رساند، مجموعه کتب دیگری نیز در دست داوری می‌باشند که با تکمیل آنها، نقدنامه جدیدی در آینده نزدیک به زیور طبع آراسته خواهد شد که بیان نکات قوت و ضعف این نقدنامه، ما را در هر چه بهتر و تکمیل‌تر نمودن آن رهنمون خواهد شد.

سید مهدی موسوی - سید مهدی چهل‌تنی

حقوق خصوصی

نام کتاب: حقوق بین الملل خصوصی

مؤلف: محمد نصیری

ناشر: آگاه

نوبت و محل چاپ: سوم، تهران

سال نشر: ۱۳۷۵

نقطه قوت خاصی در کتاب مشاهده نمی‌شود.

کتاب قدیمی است و از نظر بعضی موضوعات، مانند: تعارض قوانین مرتبط به قراردادهای بین الملل و تعارض صلاحیت دادگاهها ناقص است. به علاوه، از نظر اصلاحات قوانین، به خصوص، اصل ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی ناقص و بسیار خلاصه و کم حجم است و برای تدریس ۲ واحد درس مناسب نیست.

پیشنهاد:

کتاب بر اساس قوانین و مقررات و کنوانسیون‌های جدید بین المللی اصلاح و تکمیل شود.

همچنین ضروری است بعضی از موضوعات در مورد تعارض قوانین در قراردادهای بین المللی و صلاحیت دادگاهها به کتاب اضافه شود.

نام کتاب: آیین دادرسی مدنی ج اول

مؤلف: عبدالله شمس

ناشر: میزان

نوبت و محل چاپ: اول، تهران

سال نشر: ۱۳۸۰

موارد زیر را می‌توان نقاط قوت کتاب حاضر برشمرد:

الف) نظم منطقی و انسجام مطالب در فصول

ب) کفایت منابع با توجه به منابع موجود

ج) اعتبار منابع از نظر علمی

د) دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی

ه) مطالعه تطبیقی و به روز بودن اثر

با وجود این، در پاره‌ای موارد جملات بیش از حد طولانی است که این مسئله از نقاط ضعف کتاب به شمار می‌رود.

در مجموع این کتاب برای تدریس در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مناسب است.

نام کتاب: کلیات و مبانی علم حقوق
مؤلف: جلال‌الدین مدنی
ناشر: پایدار
نوبت و محل چاپ: ششم، تهران
سال نشر: ۱۳۸۱

موارد زیر را می‌توان نقاط قوت کتاب دانست:

- الف) روان و رسا بودن نگارش
- ب) رعایت قواعد ویرایش و نگارش
- ج) تناسب موضوعی و محتوایی با اهداف درس
- د) انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست
- ه) رعایت بی‌طرفی علمی در تحلیل

نقاط ضعف کتاب عبارت‌اند از:

- الف) نقص در به‌کارگیری منابع
- ب) عدم بهره‌گیری از ابزارهای لازم برای تفهیم موضوع
- ج) نیاز کتاب به ویرایش تخصصی

در نهایت، پیشنهاد می‌شود کتاب برای منبع فرعی و تکمیلی معرفی شود. برایمتن درسی مناسب می‌باشد.

نام کتاب: دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)

مؤلف: ناصر کاتوزیان

ناشر: یلدار

نوبت و محل چاپ: دوم، تهران

سال نشر: ۱۳۷۴

کتاب فوق از لحاظ شکلی، علمی و ارزشی در مجموع بسیار خوب و شیوه استدلال و پاسخگویی به سؤالات مطلوب است. با وجود این، با توجه به اینکه کتاب خلاصه شده کتاب‌های دیگر مؤلف است، نامنجم و ناهماهنگ است و در عین حال، برخی از استدلال‌ات و نظرات مطرح شده غیر مستند و از نظر ارجاعات ناقص است. به علاوه، کتاب نسبت به نظرات شورای نگهبان در مورد مرور زمان و خسارت معنوی ساکت است. کتاب در صورت اصلاح نقاط ضعف فوق، کاملاً مناسب است.

نام کتاب: حقوق مدنی ج ۱
مؤلف: سیدحسین صفایی
ناشر: میزان
نوبت و محل چاپ: اول، تهران
سال نشر: ۱۳۷۹

نقاط قوت کتاب به شرح زیر است:
الف) روان و رسا بودن نگارش
ب) رعایت قواعد ویرایش و نگارش
ج) تناسب حجم اثر با تعداد واحد درسی
د) رعایت امانت در ارجاعات
ه) انسجام مطالب هر فصل
و) به روز بودن اطلاعات کتاب

با وجود این، نویسنده می‌توانسته است از ابزارهای بیشتری برای تفهیم مطالب استفاده نماید.

این کتاب برای تدریس در مقطع کارشناسی بسیار مناسب است.

نام کتاب: آیین دادرسی مدنی و بازرگانی

مؤلف: صدرزاده افشار

ناشر: قلم

نوبت و محل چاپ: سوم، قم

سال نشر: ۱۳۷۴

نقاط قوت کتاب به شرح زیر است:

الف) مطابقت با سر فصل‌های شورای عالی برنامه ریزی

ب) متن از نظر روانی برای دانشجوی حقوق مناسب است

ج) از نظر استفاده از منابع خارجی، به ویژه فرانسوی، تا حدودی خوب است

نقاط ضعف به شرح زیر نیز مشاهده می‌شود:

الف) از نظر ارجاعات و فهرست مطالب نقص دارد.

ب) متن در استفاده از منابع فقهی ضعیف است

ج) برخی از مطالب نیاز به بازنگری دارد، مثل مسایل مربوط به دادگاه‌های عمومی و

انقلاب

د) از نظر شکل ظاهری نیاز به ویراستاری و کیفیت چاپ دارد.

کتاب پس از اصلاحات فوق، برای متن درسی «آیین دادرسی مدنی» قابل استفاده است.

نام کتاب: حقوق مدنی (عقود تملیکی، معاملات معوض)

مؤلف: ناصر کاتوزیان

ناشر: شرکت انتشار

نوبت و محل چاپ: ششم، تهران

سال نشر: ۱۳۷۴

رشته حقوق یکی از رشته‌های با سابقه در کشور ماست که از دو سو با دو منبع در ارتباط است. از یک سو، به متون فقهی، که قدمتی چند صد ساله دارد، ارتباط می‌یابد و از سوی دیگر، با حقوق موضوعه کشورهای پیشرفته مرتبط است. پس اصطلاحات تخصصی به گونه‌ای در آن تثبیت شده می‌باشد. بنابراین، هر نویسنده‌ای به ناچار باید از این واژه‌ها استفاده کند؛ زیرا در غیر این صورت، نوشته او اعتبار حقوقی ندارد. نویسنده کتاب فوق هم بر طبق این اصل کلی، اصطلاحات و واژه‌های تخصصی این رشته را به خوبی به کار گرفته است. برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود: ۱- ضمان معاوضی ص ۲۰۴ ۲- کارت‌های اعتباری ص ۳۳۳ ۳- فسخ ص ۴۲۵ ۴- تخلیه ص ۵۱۴ ۵- حق حبس ص ۵۸۸ و ...

ابزار و فنونی که برای تفهیم مطالب حقوقی لازم است، عبارت‌اند از: ۱- روان بودن قلم ۲- استفاده از تمثیل ۳- آراء دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور ۴- تحلیل موضوع. نویسنده توانسته است به خوبی از ابزارهای فوق برای رسیدن به این هدف بهره برداری نماید.

در توضیح موارد فوق مطالب زیر را می‌توان بیان داشت:

۱- روان بودن قلم:

در این بعد می‌توان گفت نویسنده در راستای تحقیق، با استفاده از منابع متعدد حقوقی اعم از عربی، فرانسه و انگلیسی که با توجه به تخصصی بودن متون و برگردان آن به فارسی، قلم ایشان و اقتباس‌هایی که کرده‌اند همگی از برای دانشجویان سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد مناسب و از سهولت نسبی برخوردار است، برای مرجع تحقیق نیز مطلوب به نظر می‌رسد.

۲- استفاده از تمثیل:

نویسنده در موارد زیادی از این وسیله برای القای یافته‌های حقوقی بهره گرفته است. برای مثال، در صفحه ۱۷۰ در مورد انتقال منافع مبیع به خریدار بعد از عقد، برای روشن شدن آن در ذهن خواننده یک مثال ساده و روشن می‌زند یا در پاورقی صفحه ۱۸۲ در مورد استفاده از حق حبس، اشکالی را مطرح می‌کند با این عنوان: «اگر طرفین هر دو به حق حبس، استناد جستند دادگاه چه وظیفه‌ای دارد؟» و بعد از طرح اشکال با مثالی عرفی آن را تبیین و معین می‌سازد.

۳- آراء دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور

از این ابزار در موارد متعدد استفاده شده است:

- ۱-۳: در صفحه ۹۳ به رأی شماره ۵۹۴-۱۹/۴/۲۷، که از طرف شعبه ۴ دیوان عالی کشور که در مورد وقوع و اثبات بیع املاک صادر شده بود، استناد کرده است.
- ۲-۳: در صفحه ۱۸۳ رأی شماره ۱۸۷-۱۷/۱/۲۸ شعبه ۴ دیوان عالی کشور راجع به اجبار دادگاه در موردی که طرفین قرارداد به حق حبس استناد جستند، مبنای استدلال قرار گرفته است.

۴- تحلیل موضوع

در صفحه ۶۸ وعده یک طرفی بیع، به خوبی تحلیل شده و ضمن تشریح ماهیت آن، تفاوت آن را با تعهد، ایجاب و برقراری حق تقدم در خرید به خوبی بیان نموده است. از آنجا که موضوعات این کتاب برای بخشی از یک درس سه واحدی به نام «مدنی ۶» تدوین شده است، از نظر طرح مسائل مربوط به مباحث و موضوعات مدنی جامع است. به همین دلیل حجم آن نسبت به یک درس سه واحدی زیاد است و تعلیم همه مطالب به

حقوق مدنی (عقود تملیکی، معاملات معوض) ۲۵

عنوان اصول حاکم بر معاملات معوض برای دانشجوی کار مشکلی است. بنابراین، بهتر این بود که مسائل مهم و کلیدی را که می‌شود در یک ترم مطرح نمود، به عنوان منبع درسی آورده و سایر موضوعات فرعی از کتاب درسی حذف می‌شد.

به عبارت دیگر، این کتاب بیشتر برای منبع تحقیق می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال، مطالب صفحه ۲۳ که تفاوت اجاره اشخاص و بیع را در حقوق فرانسه مطرح می‌کند، به نظر لازم نمی‌رسد؛ زیرا دانشجوی کارشناسی هنوز به مباحث حقوقی کشور خود تسلط پیدا نکرده است چه رسد به اینکه بخواهد به بررسی برخی موضوعات در دو نظام حقوقی بپردازد.

همچنین آوردن مطالب صفحه‌های ۴۴-۵۱ در بحث اوصاف بیع لازم نیست، زیرا بحث‌های بحث مستقلی است و بهتر است در جای خود آورده شود ولو اینکه مربوط به بیع باشد. عنوان نمودن مطالب فصل دوم، صفحه‌های ۹۶-۵۲، به عنوان مطالب درس لازم نیست، زیرا کلیات آن در «مدنی ۳» بحث می‌شود. هر چند به عنوان بررسی یکی از مصادیق مباحث کلی مدنی ۳- اراده - کار بسیار خوبی است.

در کل این کتاب بیشتر به جای اینکه منبع درس باشد یک منبع تحقیق است؛ یعنی، تا آنجا که توانسته مطالب و موارد مربوط به یک عنوان و موضوع را از منابع مختلف و در صورت لزوم از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرده است و در نتیجه این کتاب جامعیت خاص خودش را پیدا کرده است؛ به خصوص، طرح سئوالات حقوقی و یا تحلیل حقوقی بعضی از موضوعات با عنوان «خواندنی‌ها» شکل ویژه‌ای به این جامعیت بخشیده است. ترتیب و انسجام منطقی مطالب در این کتاب رعایت شده است و ما این انسجام را در دو قسمت بررسی می‌کنیم:

۱- ارتباط مطالب در کل متن

این کتاب حاوی چهار موضوع مستقل در چهار بخش (عقد بیع، عقد معاوضه، عقد اجاره، عقد قرض) می‌باشد. پس کل متن تسلسل ندارد؛ مگر اینکه هر بخش را - که خود یک کتاب مستقل شده - یک کل فرض کنیم که حق هم همین است. ما برای اثبات این مدعا فقط بخش اول را که مربوط به عقد بیع است ارزیابی می‌کنیم. این بخش از چهار فصل تشکیل شده است: ۱- مفهوم بیع ۲- انعقاد بیع ۳- آثار بیع ۴- احکام خاص پاره‌ای از اقسام بیع.

هر فرد آشنا با مباحث حقوقی به راحتی ترتیب مباحث فوق را در عقد بیع درک خواهد کرد. زیرا اولین سؤالی که در عقد بیع مطرح می‌شود این است که مفهوم بیع چیست و بعد از آن پرسش به میان می‌آید که عقد بیع چگونه انعقاد می‌یابد و شرایط انعقاد آن چیست؟ بعد از این دو مرحله، طبیعی است که از آثار این پدیده حقوقی بحث شود و در مرحله چهارم از اقسام بیع که احکام خاصی دارند و بعد از بیان این مباحث، اصول کلی بحث شوند.

۲- ارتباط مطالب فصل

هنگامی که به فصل‌ها نگاهی می‌اندازیم ترتیب، ارتباط و انسجام به حدی است که کمتر روزنه‌ای خاص یافت می‌شود. برای مثال در فصل اول - مفهوم بیع - مطالب زیر را عنوان نموده است:

تفاوت بیع با سایر قراردادهای اوصاف بیع؛ به عبارت دیگر، برای اینکه بتواند مفهوم بیع را بشکافد تا مفهوم آن برای دانش پژوهان راحت، ابتدا بعد از تعریف بیع توانسته است تفاوت بیع را با سایر قراردادهای مشابه مطرح کند و ابهامات را از ذهن خواننده بزداید. این یکی از مهم‌ترین کارهایی است که می‌تواند در رشته حقوق صورت پذیرد و از آمیختگی بسیاری از بحث‌ها و احیاناً آشفتگی قضاوت‌ها جلوگیری کند.

با وجود اینکه نویسنده تفاوت بیع را با سایر قراردادهای مشابه مطرح کرده است، هنوز ماهیت بیع آن‌طور که باید و شاید روشن نمی‌شود؛ لذا؛ به یک مرحله دیگر نیاز هست که مطلب روشن شود و آن بیان اوصاف عقد بیع است و نویسنده هم به خوبی این کار را با سه عنوان: تملیکی بودن، معوض بودن و عین بودن مبیع بیان نموده‌اند. فصل دوم همین بخش مربوط به انعقاد بیع است و از نظر منطقی هم باید همین شیوه را به کار می‌برد؛ یعنی، هم ترتیب مباحث را رعایت کرده است و هم انسجام و تسلسل آن را که به دلیل پر محتوا بودن، مطلب ثابت و برقرار است؛ زیرا در مبحث انعقاد بیع آنچه که اهمیت دارد و باید اثبات شود شرایط صحت و درستی عقد بیع است و هنگامی که این شرایط موجود باشد، عقد خود به خود منعقد می‌شود و نویسنده این شرایط را در سه مبحث به تفصیل بیان نموده‌اند.

در یک جمع بندی نهایی می‌توان نقاط قوت و ضعف این کتاب را چنین مطرح کرد:

حقوق مدنی (عقود تملیکی، معاملات معوض) ۲۷

۱- نقاط قوت

متن از قوت کافی برخوردار است و ذهن دانشجو را فعال می‌کند، به خصوص با طرح مباحثی با عنوان تمرین.

۲- نقاط ضعف

بعضی از مطالب مأخذ ندارد و یا ارجاع آن کامل نیست. به قوانین جدید و نظرات فقهای متأخر کمتر توجه شده است.

۳- پیشنهادها

۱- توجه به قوانین جدید ۲- توجه بیشتر به نظرات فقهای متأخر

نام کتاب: حقوق تجارت (جلد اول)

مؤلف: ربیعا اسکینی

ناشر: مهر

نوبت و محل چاپ: دوم، قم

سال نشر: ۱۳۷۷

اگر چه کتاب (حقوق تجارت) (شرکت‌های تجاری) (جلد اول) تألیف آقای اسکینی با سبکی دلپذیر و تقسیم بندی و ساختاری نیکو در مطالب و بیانی روشن و مستدل نگارش یافته و کتاب را برای مطالعه و استفاده مناسب کرده است، ولی بجاست به نکات و ملاحظاتى به شرح ذیل در خصوص برخی موضوعات توجه شود تا بر حسن آن افزوده و از نقائص آن - که در هر اثر علمی کم و بیش وجود دارد - کاسته شود. برخی از موارد عمده قابل ذکر در این خصوص به شرح زیر است:

صفحه ۲۴، پاراگراف اول: مقصود از مقایسه بیع و عقد شرکت معلوم نیست. در اینجا بحث فقط محدود به عقد شرکت نیست، بلکه ایجاد یک شخصیت حقوقی است که از نظر قانون دارای حق و تکلیف می‌شود. برای همین است که آورنده سرمایه (سهام یا سهم الشرکه) مال را به شرکت (به عنوان یک شخص حقوقی) می‌دهد و در ازای آن، دارای حقوقی نسبت به شرکت می‌شود و دادن آورده به شرکت، منوط به اعاده آن نیست. زیرا پس از تشکیل شرکت و انحلال آن، هیچ معلوم نیست آن مال را که به عنوان «سهام یا سهم الشرکه» است، آورنده آن دریافت نماید. پس در تأسیس شرکت نیز مانند بیع، صاحب مال قطعاً چیزی را می‌دهد و قطعاً چیزی را به دست می‌آورد (در بیع عوض را و در تأسیس شرکت حقوقی را).

حقوق تجارت (جلد اول) ۲۹

صفحه ۲۵، پاراگراف دوم: موضوع «تفاوت شرکتهای تجارتي با شرکتهای مشاع» عنوان بحثی است که ظاهراً در آن خلط مفاهیم شده است. «اشاعه» ناظر به نوع مشارکت است، در حالی که در مورد «شرکت تجاری» ناظر به یک «شخص حقوقی» است. می توان یک شرکت را با سرمایه ای مشاع یا غیر مشاع با مالکان آن تشکیل داد. به بیان دیگر، ممکن است «سرمایه» شرکت تجاری از مال مشاع چند مالک تشکیل شود. بنابراین، معلوم نیست چه چیزی موجب شده است که مقایسه ای بین شخص حقوقی و نوع مالکیت، مثلاً شراکت به نحو اشاعه در مال انجام شود. از این گذشته، در تفاوت های ذکر شده نیز خدشه وجود دارد؛ اولاً، ممکن است شرکت تجاری با هدف غیر اقتصادی تشکیل شود (سهامی)؛ ثانیاً، ممکن است در اثر فوت یک سهامدار، ورثه او قهرماً مالک سهم شوند. در تفاوت دوم نیز باید گفت که در شرکت سهامی انتقال سهام آسان است، اما شرکت سهامی عام بدون نیاز به رضایت سهامداران دیگر می باشند و علاوه بر این، در تقسیم مال مشاع نیز مانند انحلال شرکت یا انتقال سهم الشراکه عمل می شود که گاه نیاز به حکم دادگاه پیدا می شود.

در تفاوت سوم ضمن آنکه اصل تفاوت درست است، ولی باید گفت در این تفاوت ابتدا شرکت تجاری را همانند مال مشاع فرض نموده، سپس گفته شده است که در یکی اتخاذ تصمیم با اجماع است و در دیگری با اکثریت. این وجه نیز درست نیست، زیرا شرکت یک شخص حقوقی است نه مال مشترک!

صفحه ۸۶، پاراگراف سوم: در شرکتهای سرمایه ای (و یا مختلطاً) فسخ قرارداد شرکت یا، خروج یک سهامدار از شرکت موجب بطلان قرارداد شرکت نمی شود (مگر آنکه در ایران، تعداد سهامداران در سهامی خاص کمتر از سه نفر و در سهامی عام کمتر از ۵ نفر بشود)، ولی اگر شریک مزبور شریک ضامن باشد (در شرکت تضامنی یا مختلط یا حتی نسبی) قرارداد باطل و شرکت از بین می رود. به هر حال، مناسب بود که نویسنده تفکیکها و بحثهای مزبور را انجام می دادند.

صفحه ۸۸، پاراگراف اول: در این صفحه بیان شده است: اگر شخصی که اهلیت تجاری ندارد در انعقاد شرکتی دخالت کند (مثلاً در شرکت تضامنی)، شریک مزبور مسئولیت تضامنی نخواهد داشت و تنها در حدود مقررات قانون مدنی مسئول خواهد بود. اولاً، چون مقصود از «فاقد اهلیت تجاری» توضیح داده نشده است، مطلب مبهم است؛ ثانیاً، اگر مثلاً، تاجر ورشکسته ای که از دخالت در اموالش (جز آنچه قانون مجاز

۳۰ نقدنامه فقه و حقوق

کردهاست) منع و محجور شده است در انعقاد شرکت دخالت کند، مسئولیت خواهد داشت ولی مسئولیت او تضامنی نخواهد بود؟ به چه دلیلی نویسنده محترم چنین حکمی داده‌اند؟ معاملات مشارالیه در هر حال صحیح نخواهد بود و تضامنی و غیر تضامنی بودن، مسئولیتی تفکیکی است که باید با دلیل ذکر شود.

صفحه‌های ۹۳ و ۹۲ (ضرورت قرارداد کتبی): اشاره به حذف ماده ۱۳۰۶ قانون مدنی در ارزش شهادت در صدر مطلب، موجب خلط شدن مبحث شده است. «شهادت» تنها یکی از ادله اثبات است و سایر ادله مانند اسناد (انواع آن)، اقرار، امارات قضایی و قانونی نیز همواره مطرح بوده و هستند. قبل از حذف ماده ۱۳۰۶ نیز باز این مسئله قابل طرح بود که: مثلاً، اگر سرمایه شرکت بیش از ۵۰ تومان باشد ولی هیچ قرارداد کتبی موجود نباشد می‌توان آن را با سایر ادله اثبات کرد یا نه؟

بنابراین به نظر می‌رسد حذف پاراگراف اول، اولی است، زیرا توجه را به شهادت و ارزش آن معطوف کرده که آن بحث دیگری است. به هر حال، تنها شهادت نیست که در این مسئله مطرح است.

صفحه ۲۰۵ و ۲۰۶ (بخش ب): در خصوص شماره ۱ متن به، صفحه ۱۰۰ مراجعه شود. در خصوص شماره ۲ باید یادآور شد که خصوصیت یاد شده قابل خدشه است، زیرا در شرکت‌های سهامی نیز در بدو تأسیس همه سهامداران شرکت سهامی خاص، اساسنامه را امضاء می‌کنند و در سهامی عام نیز پذیره نویسی در حکم امضاء طرح اساسنامه است، اما تغییر اساسنامه در هر یک از شرکت‌های با مسئولیت محدود و سهامی نیاز به امضاء و تصویب همه سهامداران و شرکاء ندارد. پس هر دو خصوصیات ذکر شده یا غیر انحصاری است یا به قدری ضعیف است که شرکت با مسئولیت محدود را بین اشخاص و سرمایه‌ای قرار نمی‌دهد. شرکت با مسئولیت محدود را باید در اصل شرکتی سرمایه‌ای تلقی کرد.

صفحه ۲۱۶، پاراگراف دوم به بعد: این نکته‌ای بود که برخی مکرراً به آن اشاره داشتند و نظر نویسنده را نمی‌پذیرفتند تا اینکه خود نویسنده آن را پذیرفت و قانون فرانسه را در تأیید نظر منتقدان ذکر نمود. متأسفانه در پاراگراف‌های بعدی باز نویسنده اصرار به نظر سابق خود دارد ولی در پاسخ به ایراد محکمی که خود در پاراگراف اول ذکر کرده است، هیچ دلیل حقوقی یا ماده قانونی روشن برای دلیل خود ارائه نمی‌نماید. گو اینکه در نهایت، منطقی وی او را به قبول عدم امکان پذیرش کار و ضعف به عنوان آورده شرکت، راهنمایی کرده است. (ص ۲۱۷)

حقوق تجارت (جلد اول) ۳۱

صفحه ۲۳۵، پاراگراف پنجم: در مورد محل انعقاد باید گفت، در هر حال، مجمع نمی‌تواند در محلی دعوت شود که برای برخی شرکاء موجب زحمت باشد و اصولاً می‌توان گفت مادام که محل دیگری غیر از آنچه در اساسنامه یا شرکت‌نامه یا تصمیم تمام شرکاء در مجمع عمومی مشخص شده، نمی‌توان محل تعیین شده قبلی را تغییر داد. در صفحه ۲۳۶، در مورد زمان گفته است: «زمان تشکیل جلسه باید به گونه‌ای تعیین شود که فرصت کافی برای تهیه مقدمات آن باشد»، مشابه این استدلال باید در بحث مکان نیز بشود.

نام کتاب: ارث
مؤلف: مهدی شهیدی
ناشر: سمت
نوبت و محل چاپ: اول، تهران
سال نشر: ۱۳۷۴

با وجود اینکه مطالب کتاب حاضر برگرفته از مباحث فقهی است، اما سعی شده از ایجاز گویی مرسوم در آنها پرهیز شود، مباحث با تفصیل بیشتری، که غالباً همراه مثال هستند، ارائه از آوردن استدلال‌ها و مستندهای اضافه اجتناب شده که این امر بر سهولت مطالب افزوده است. به نظر می‌رسد علائم دستوری، تا حد زیادی رعایت و جمله بندی‌ها هم ویراستاری شده‌اند و سعی شده است کلمات فارسی به کار برده شوند. اما، در برخی موارد، کلمه‌های غیر فارسی مانند: جمل (ص ۵۵)، عرض (ص ۵۴) قاعدتاً و استثناءً (ص ۱۷۳) به کار رفته است. در این کتاب سعی شده است واژه‌ها مطابق واژه‌های معمول در حقوق مدنی (و قانون مدنی) به کار برده شوند؛ مانند کلمه‌های ابنیه و اشجار، به همان‌صورتی که در قانون آمده - صفحه ۱۶۶ به بعد - به کار رفته است. البته، در بسیاری از موارد، این-گونه واژه‌ها معنا شده‌اند.

نسبت به کتاب‌های مشابه از نمودارها و مثال‌های بیشتری استفاده شده است. مثل، صفحه‌های ۲۱، ۲۲ و ۲۳. به‌خصوص مسائلی که مرتبط با مباحث کتاب می‌باشند در پایان کتاب آورده شده است و چون هدف از تدوین کتاب، شرح مواد قانونی مربوط به ارث است، از تمام مواد مربوطه بحث شده است؛ یعنی، چون کتاب مورد نظر در مقام شرح مواد قانون مدنی است، در هر بخشی مطابق آنچه در قانون مدنی بیان شده است، مباحث

ارث ۳۳

مطرح شده. حتی، در پاره‌ای موارد، آنچه در قانون نیامده نیز مطرح شده است، مانند؛ ولادت از تلقیح مصنوعی (ص ۷۰) و ارث انسان دو سر (ص ۱۵۳). درست است که کتاب شامل استدلال‌های فقهی و روایات نیست، اما چون در صدد طرح مباحث فقهی نبوده است، این امر را نمی‌توان ایرادی بر آن تلقی کرد.

کتاب با سرفصل‌های شورای عالی برنامه ریزی مطابقت دارد و تنها برخی از مباحث به صورت اضافی مطرح شده، از جمله فصل چهارم که خلاصه مطالب قبل است. متأسفانه، در بسیاری از موارد، مطالب بدون ذکر منابع است؛ از جمله: ص ۳۳، سطر ۱۷؛ ص ۱۱۳، سطر ۸۸؛ ص ۱۱۴، سطر ۹۰؛ ص ۱۱۹، سطر ۹؛ ص ۱۲۰، بند سوم؛ ص ۱۱۷، سطر ۲۱؛ ص ۱۵۳، سطر ۱۲ و ۱۳؛ ص ۱۶۸، سطر ۱۵.

در برخی از موارد به نظر می‌رسد، ارجاعات منطبق بر متن مورد ارجاع نباشد؛ از جمله در صفحه ۱۹ این کتاب نظر صاحب جواهر مبتنی بر قرارداد بودن «ولاء ضمان جریره» نیست (جواهر: ج ۹، ۲۵۷) و یا در صفحه ۵۳ کتاب در سطر ۱۱ انتساب مزبور به صاحب جواهر درست نیست (جواهر: ج ۳۹، ۳۷) و روایات در پاورقی ۳ نیز به درستی نقل نشده‌اند و نیز در صفحه ۴۱، سطرهای ۳ و ۴ نظریه صاحب جواهر به درستی نقل نشده است [ج ۳۹، ۳۱۱]. صفحه ۱۸ کتاب از ریاض نقل کرده است، ولی در ریاض «ولاء عتق» تعریف نشده است (ریاض: ج ۹، ۱۴۷) از دیدگاه حقوقی، مباحث از نظر تحلیل مواد قانونی و جمع آوری قوانین مربوطه تقریباً رعایت شده است، اما از نظر رویه قضایی، کتاب با کمبود مواجه است. تقریباً از مستندهای قضایی و احکام دادگاه‌ها و هیئت عمومی استفاده نشده است و اما از نظر فقهی، نگارنده کمتر به آوردن آیات و روایات، که مستند حکم هستند، توجه کرده است که در پاره‌ای از موارد، احتمال می‌رود سبب تضعیف فقه در نظر دانشجویان شود، از جمله:

۱- نگارنده در صفحه ۱۸ کتاب در ارتباط با «ولاء ضمان جریره» اظهار داشته است که: «ولاء ضمان جریره نیز با اصل شخصی بودن جرم و مجازات متضاد است و در حال حاضر در عمل تحقق نمی‌یابد»، در حالی که در متون فقهی اشکالی در مشروعیت ضمان جریره وجود ندارد (سید احمد خوانساری، جامع المدارک: ج ۵، ۳۶۲) مضافاً در این کتاب چندین روایت هم نسبت به مشروعیت آن آورده شده است و از نظر حقوقی نیز به اصل شخصی بودن جرم و مجازات، استندهای چندگانه‌ای وارد شده است که ضمان جریره نیز می‌تواند یکی از آنها باشد.

۲- در صفحه ۱۱۵ در مورد «حبوه» آورده است: «به نظر می‌رسد حکم مزبور ریشه در زندگی قومی و قبیله‌ای گذشته داشته». چون از این عبارت فهمیده می‌شود که حبوه در زمان کنونی مصلحت نیست و اختصاص به همان زمان دارد و قبل از بیان این مطلب، نویسنده حکم آنرا از ضروریات فقه امامیه بر شمرده است، احتمال دارد تأثیر نامطلوبی از احکام فقهی بر ذهن دانشجو بگذارد؛ اگر چه، ممکن است مؤلف تنها در صدد بیان تاریخ حکم فقهی مزبور بوده باشد.

در کل، به نظر می‌رسد این کتاب برای دوره کارشناسی نگاشته شده است و تقریباً خوب و مناسب می‌باشد (با توجه به استفاده از شیوه تحلیل عقلی و پردازش داده‌ها). اما از نظر خود موضوع، از بسیاری از منابع فقهی بهره برده نشده و از رساله مستقلی که بزرگان در این باره نوشته‌اند، استفاده نشده است و افزون بر این، چون در کشورهای اسلامی احوال شخصیه از فقه گرفته شده است، مناسب بود از حقوق آنها در بحث‌ها به‌طور تطبیقی استفاده می‌شد که از این جهت کتاب مزبور نقص بارز دارد. همچنین از منابع چاپ‌های قدیمی، که امروزه کمتر معمول است، استفاده شده، در حالی که چاپ جدید آنها موجود بوده و در دسترس می‌باشد، مانند *جواهر الفقه، ریاض المسائل، المبسوط، شرح لمعه*

نام کتاب: مختصر حقوق خانواده
مؤلف: حسین صفایی، اسداله امامی
ناشر: دادگستر
نوبت و محل چاپ: دوم، تهران
سال نشر: ۱۳۷۸

قواعد زبان فارسی در این کتاب رعایت شده و اشکال خاصی ندارد. و نویسندگان در حد امکان سعی نموده‌اند با جملات کوتاه اندیشه خود را بیان دارند و در عین حال، از اصطلاحات و واژه‌های تخصصی دقیق نیز بهره گرفته‌اند. از نظر بهره‌گیری از فنون و ابزارهای لازم برای تفهیم مطلب، به ویژه کاربرد تمثیل، ضعف وجود دارد.

از لحاظ محتوا نیز لازم است به موارد زیر توجه شود:

الف - در پاره‌ای از موارد مطالب از جامعیت لازم بهره مند نیست. مثلاً، در گفتار چهارم فصل سوم، از باب نخست باعنوان: «مراتب در عقود معین» ص ۱۱۲، از قرابت رضاعی یا محارم رضاعی بحثی نشده است. همچنین در مبحث دوم «مهر» ص ۱۴۸، از مسائل مربوط به مهر نظیر: تأثیر انحلال نکاح در مهر، تأثیر بطلان نکاح در مهر و به‌طور کلی از رابطه مهر و عقد صحبت نشده است. همچنین از مطالبه مهر به نرخ روز، تضمینات قانونی یا حقوقی مهر همچون بیمه مهر و نظایر آن صحبت نشده است. به علاوه، در بحث انحلال نکاح از انفساخ نکاح، از بذل مدت و انقضاء آن در نکاح منقطع بحث نشده و اصولاً هیچ بحثی از نکاح موقت و احکام آن نشده است. البته، شاید عنوان کتاب که مختصر حقوق خانواده است توجیهی برای عدم ذکر مطالب مذکور باشد.

ب - از حیث ترتیب و تسلسل منطقی مطالب، کتاب مذکور خوب به نظر می‌رسد؛ زیرا نویسنده از سه عنوان کلی (ازدواج، انحلال ازدواج و قرابت و نسب) صحبت کرده است و در خصوص هر عنوان مطالب را به صورت منطقی تقسیم بندی نموده است.

ج - از نظر استفاده از منابع مرتبط با موضوع در پاره‌ای موارد تحقیقات جدی صورت گرفته که به صوت مقالات حقوقی در مجلات حقوقی منتشر شده است، اما نویسندگان از آن سود نبرده‌اند. مثلاً، در زمینه استیفاء عده، که از موانع نکاح است، آقای دکتر مهرپور در ضمن مقاله‌ای با استناد به منابع معتبر فقهی، زوجه منقطع را در استیفاء عده مؤثر می‌داند.

د - در پاره‌ای موارد اشکالاتی از نظر رعایت اصول علمی رشته حقوق به چشم می‌خورد، برای نمونه:

۱- در صفحه ۳۴ آمده است که «نامزدی (وعده نکاح) یک تعهد اخلاقی نیست؛ زیرا اصولاً جای بحث از تعهدات اخلاقی در کتب اخلاق است و نه در قانون». حال این سؤال مطرح است که اگر تعهد اخلاقی نیست و تعهد حقوقی است، چه اثراتی می‌تواند داشته باشد؟ زیرا به موجب ماده ۱۰۳۵، اولاً، نامزدی ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند. ثانیاً، اجبار به ازدواج هم نمی‌کند. ثالثاً، بر هم زدن نامزدی مسئولیتی هم به بار نمی‌آورد؛ یعنی، به صرف امتناع از وصلت و بر هم زدن نامزدی خسارتی قابل مطالبه نیست. با این توصیف، چگونه می‌توان این را تعهد اخلاقی ندانست و دارای وصف حقوقی قلمداد نمود؟ این برای هر خواننده‌ای می‌تواند سؤال باشد. بهتر بود نویسندگان با مقدمه مناسب مطلب را می‌شکافتند، فقط گفتن اینکه در قانون جای بحث تعهدات اخلاقی نیست، جواب قانع کننده‌ای به نظر نمی‌رسد. ناگفته نماند در حقوق اروپایی، به ویژه آلمان و سوئیس وعده عقد اثر عقد را دارد (اگر وعده شرایط عقد را داشته باشد)، مگر در مورد وعده نکاح که اثر نکاح را ندارد؛ این تصریح در حقوق ایران ضروری نیست. زیرا، اساساً در حقوق ایران هیچ وعده‌ای اثر عقد را ندارد، چه وعده بیع باشد یا وعده نکاح. بنابراین قسمت اول ماده ۱۰۳۵ ق.م.ا.ق. اقتباس از حقوق اروپا است و در آن نظام‌های حقوقی تصریح به اینکه وعده نکاح علقه زوجیت ایجاد نمی‌کند، به عنوان یک استثناء بر قاعده کلی ضرورت دارد ولی در حقوق ایران چنین نیست.

۲- در صفحه‌های ۷۲ و ۷۳، از ماده ۱۰۴۱ و تبصره آن صحبت شده است. ماده مزبور از ممنوعیت نکاح قبل از بلوغ صحبت کرده و تبصره آن از صحت نکاح قبل از بلوغ

مختصر حقوق خانواده ۳۷

با اجازه ولی با شرط مصلحت بحث کرده است. حال، این سؤال مطرح است که آیا حکم ماده با تبصره متعارض است یا هر یک حاوی حکم حقوقی خاصی است؟ نویسندگان در توضیح ماده مزبور (صفحه ۷۳، پاراگراف دوم) می‌نویسند که میان فقها اختلاف است و بعضی عقد صغیر را باطل می‌دانند ... و چنین استنباط می‌نمایند که در حقوق ایران باید نکاح صغیر ممیز را غیر نافذ دانست. این استنباط از قانون با هیچ یک از اصول علمی مطابقت ندارد؛ زیرا ماده ۱۰۴۱ از ممنوعیت نکاح قبل از بلوغ صحبت می‌کند و نه از بطلان یا عدم نفوذ آن و مشخص است که ممنوعیت، حکم تکلیفی است نه وضعی. از سوی دیگر، در ماده مذکور از نکاح صحبت شده و در تبصره از عقد نکاح و چون نکاح در لغت به معنای وطی یا عقد است، پاره‌ای آن را در وطی، حقیقت و در عقد مجاز می‌دانند. می‌توان نکاح مورد نظر در ماده را به معنای آمیزش تفسیر کرد تا با حکم آن، که ممنوعیت است، تطبیق نماید. با این بیان، تفاوت ماده و تبصره روشن می‌شود که آن ماده از آمیزش مبتنی بر نکاح، قبل از بلوغ صحبت می‌کند. این تفسیر با سر فصل ماده که عنوان (قابلیت صحتی برای نکاح) را دارد - یعنی سلامتی جسمی - هماهنگ و سازگار است.

از حیث استفاده از اطلاعات به روز به نظر می‌رسد. در پاره‌ای موارد، مقررات جدیدی وضع شده است. مثلاً، در مسئله مطالبه مهریه به نرخ روز یا مدت اعتبار گروهی عدم سازش که در مقررات جدید پیش بینی شده یا صلاحیت دادگاه در مورد دعوی نسب، صفحه ۲۸۹ دادگاه خانواده است که دادگاه مدنی خاص دانسته شده است و یا مثلاً، در صفحه‌های ۳۶۸ و ۳۵۴ که از ماده ۱۱۷۳ ق.م صحبت شده است. بهتر بود از اصلاح شده ماده مزبور هم بحث می‌شد، هر چند که به بعضی موارد در ملحقات چاپ دوم اشاره شده است.

نام کتاب: حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد

مؤلف: ناصر کاتوزیان

ناشر: دانشگاه تهران

نوبت و محل چاپ: اول، تهران

سال نشر: ۱۳۷۴

کتاب بسیار جامع، فراگیر و هماهنگ است و آنچه در متن آمده در فهرست نیز ذکر شده است. در پاره‌ای از موارد، تناسب شکلی بر هم خورده است. برای مثال، دفتر اول ۵۹۸ صفحه است، ولی دفتر دوم ۲۷۳ صفحه یا اینکه فصل اول ۱۴۱ صفحه، فصل دوم ۷۶ صفحه، فصل سوم ۲۱۲ صفحه، فصل چهارم ۹۴ صفحه و فصل پنجم ۵۲ صفحه است.

کتاب مطابق سرفصل‌های شورای عالی برنامه ریزی است؛ لکن در برخی موارد، به تفسیر موضوعات فرعی پرداخته شده که باعث افزایش حجم کتاب شده است. مانند، ش ۲۹۴ و بدین سان، از سر فصل مذکور بیشتر شده است. از آنجا که کتاب مذکور نخستین اثر حقوقی بعد از کتاب *حقوق تعهدات* دکتر عبدالحمید امیری قائم مقامی در رشته «مسئولیت مدنی» است، پاره‌ای از ایرادها قابل اغماض‌اند. کتاب به ظاهر چاپ اول است ولی در واقع همان کتاب *ضمان قهری - مسئولیت مدنی* است که با اندکی تغییر و اسم جدید منتشر شده است.

تسلسل، ترتیب و انسجام منطقی مطالب از حیث محتوایی بسیار خوب است. مؤلف محترم در سر آغاز کتاب اهداف خود را به‌طور جامع بیان نموده است. عمده هدف وی توجیه استفاده از حقوق خارجی و تألیفات نویسندگان جدید است. نویسنده در کتاب از

حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد ۳۹

قواعد الهی سخن گفته و به سلیقه خود قواعد و مقررات متناسب با آنرا جمع آوری نموده است.

از حیث طرح تلویحی سئوالات اساسی باید گفت که سئوالات فراوان است. از جمله:

(۱) آیا امکان جمع فقه و حقوق خارجی وجود دارد؟

(۲) دیه وصف کیفری دارد یا مدنی؟

(۳) آیا مسئولیت قراردادی و ضمان قهری ماهیت واحدی دارند؟

(۴) تقصیر زیان‌دیده چه تأثیری در مسئولیت وی دارد؟

(۵) ...

در قوانین ما مسئولیت اصولاً مبتنی بر تقصیر است. نویسندگان در تمام کتاب به دنبال اثبات فرضیه یاد شده است و تا حدودی نیز موفق می‌باشد ولی معلوم نیست که عبارت مجمل صفحه ۴۳ «حقوق مسئولیت مدنی در آخرین تحول خود به جای تکیه بر تقصیر مرتکب و مجازات او بر لزوم جبران ضرر تمایل دارد؛ هدفی که از دیرباز در فقه دنبال شده است» را چگونه با این فرضیه جمع می‌کند. به هر حال، اصل نظریه دفاع پذیر است. صرف نظر از نتیجه‌ها، به‌طور کلی شیوه استدلال و پاسخگویی به سئوالات صریح و ضمنی، مطلوب و قبول شدنی است. ولی به پاره‌ای از سئوالات به‌طور صریح و قانع کننده جواب داده نشده است:

(۱) صفحه ۸۵: حقوق زنده چیست و قواعد دست و پا گیر کدام‌اند؟

(۲) صفحه‌های ۳۴۹ و ۳۷۰: هرگاه یکی از چند سبب به‌طور ناشناخته و نامعین خسارت وارد کند، جبران خسارت چگونه خواهد بود؟

(۳) صفحه ۴۳: فقه تازه چیست؟

مؤلف گاهی از مقررات و قواعد سخن می‌گوید که اعتبار آنها حداقل از نظر شورای نگهبان زیر سؤال رفته و مغایر مقررات شرعی اعلام شده‌اند. برای مثال، به مقررات مرور زمان در تمام کتاب استناد شده و گاه از آنها به تفصیل یاد شده است، بدون اینکه به نظر شورای نگهبان اشاره‌ای شود (ش ۳۱۵، ص ۵۱۵) و این ابهام را برای دانشجو پیش می‌آورد که آیا هنوز مرور زمان معتبر است؟

یکی از ابتکارات کتاب ارایه طرح قانون «مسئولیت دارندگان اتومبیل و قواعد حاکم بر تصادم‌های رانندگی است». این طرح در ۱۱ ماده تهیه و پیشنهاد شده است. با توجه به

۴۰ نقدنامه فقه و حقوق

اشکال‌های موجود در این زمینه، این طرح می‌تواند راهنمای مفیدی برای قانون‌گذاری باشد. تلاش مؤلف و دقت نظر وی در این باره قابل تحسین است.

تلاش مؤلف در ارائه پاسخ‌های پاره‌ای از سئوال‌ها نیز جالب است. برای مثال، ص ۲۲۳، صفحه ۲۲۴ و نیز صفحه‌های ۷۴، ۸۴ و ۸۵ جلد دوم.

از حیث رعایت تغییر و تحولات متناسب با تحولات موضوعی در چاپ‌های جدید، باید گفت که ۹۰٪ متن از حیث دقت در تحلیل موضوعات و وقایع حقوقی قابل تحسین است. در مورد ده درصد باقی مانده، به نظر می‌رسد که به خاطر نقص کار نویسنده نباشد بلکه بحث سنگین بوده و پیچیدگی‌های فنی بسیاری دارد. راه‌حلی که در برخی از مسایل و موضوعات مطرح شده می‌تواند گره پاره‌ای از مشکلات فنی و حقوقی را بگشاید. (ص ۳۸)

کتاب برای تدریس در مقطع کارشناسی ارشد بسیار مناسب است. همچنین متن کتاب یکی از منابع اصلی و کاربردی هیئت علمی دانشگاه‌ها است. در کل، اگر چه، کتاب بسیار گران‌قدر و ارزشمند است، اما به مؤلف پیشنهاد می‌شود تا پاورقی‌ها به زبان اصلی باشد و به ترجمه فارسی اکتفا نشود.

نام کتاب: مباحثی از حقوق تجارت بین الملل

مؤلف: ربیعا اسکینی

ناشر: نشر دانش امروز

نوبت و محل چاپ: اول، تهران

سال نشر: ۱۳۷۱

اشکالات و پیشنهادهای مرتبط با کتاب مباحثی از حقوق تجارت بین الملل تألیف آقای ربیعا اسکینی و به اختصار عبارت‌اند از:

۱- تنظیم کتاب‌ها به روز نمی‌باشد، و مناسب است که پاورقی‌ها در ذیل هر صفحه آورده شوند که امکان رجوع به آنها آسان‌تر باشد. با اتخاذ چنین رویه‌ای نکات فعلی مربوط به پاورقی‌ها (عدم اشاره به ذکر صفحه‌های مربوطه در فهرست و عدم وجود عناوین مربوطه در صفحه‌های مورد نظر) نیز رفع می‌شود.

۲- منابع مورد استفاده بیشتر در ارتباط با منابع فرانسوی می‌باشند و بیشتر این مجموعه مقالات می‌تواند مورد توجه افرادی باشد که به این منابع دسترسی دارند. در صورتی که دسترسی به منابع انگلیسی راحت‌تر بوده و امکان استفاده از مجموعه مقالات را در سطح وسیع‌تری فراهم خواهد نمود؛ افزون بر این که آشنایی علاقه‌مندان و دانشجویان به زبان انگلیسی نسبت به زبان فرانسه در سطح وسیع‌تری است.

۳- هر چند که مجموعه مقالات، در کلیات به مسائل تجاری توجه کرده است، اما به لحاظ آنکه مباحث منسجم و دنباله دار نمی‌باشند و هر مقاله به‌طور جداگانه و در ارتباط با موضوع خاصی نگارش یافته است، لذا انسجام مورد انتظار یک کتاب را ندارد؛ به‌خصوص در فصل آخر (فصل ششم) که در ارتباط با موضوع مسئولیت مدنی ناشی از حوادث اتمی

۴۲ نقدنامه فقه و حقوق

می‌باشد، به نظر می‌رسد ارتباط منطقی این فصل با فصول دیگر تا حدود زیادی گسسته است.

۴- فصل پنجم در ارتباط با تشریفات شناسایی و اجرای احکام خارجی و آراء داوری در حقوق فرانسه می‌باشد که علاوه بر اینکه این فصل ترجمه مقاله منتشر شده از سوی یک نویسنده فرانسوی می‌باشد (آندره هووه) ، موضوع منحصرأ در ارتباط با یک نظام حقوقی بوده و از حالت بحث تطبیقی و بین المللی خارج شده است.

۵- در ارتباط با پاورقی‌های موجود نیز نکاتی چند قابل توجه می‌باشد که به نظر می‌رسد نیاز به تجدید نظر و اصلاح آنها می‌باشد. برای مثال، در بعضی از موارد پاورقی‌ها شماره ندارند (برای نمونه، پاورقی ۱ در صفحه ۱۴ که در صفحه ۴۷ شماره ندارد) و یا اینکه هیچ‌گونه صفحه یا مبحثی که مورد نظر می‌باشد، در متن پاورقی بدان اشاره نشده است (برای مثال، نمونه فوق و نمونه بعدی آن پاورقی ۲، صفحه ۱۵ که در صفحه ۴۷ پس از ذکر مرجع فرانسوی، به صفحه و یا مبحث مورد نظر اشاره نشده است)؛ همچنین لزوم بازنگری در خصوص اسامی بعضی از کشورهای سابق بلوک شرق نظیر چکسلواکی یا آلمان دمکراتیک که با توجه به رویدادهای سال‌های اخیر در اروپا ضروری می‌باشد. (ص ۴۲)

۶- در بحث مربوط به نقش مؤسسات خصوصی بین المللی در (ص ۱۹ کتاب) ضروری است توجه خاص به مجموعه‌های جدید اینکوئترمز (۱۹۹۰) و مقررات متحد الشكل اعتبارات اسنادی (۱۹۹۴) شود و در پاورقی ۱۹ عنوان UCP به صورت متن انگلیسی به آن اضافه شود و به ذکر عنوان به فرانسوی آن بسنده نشود.

نام کتاب: مباحث تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری

مؤلف: محمدعیسی تفرشی

ناشر: دانشگاه تربیت مدرس

نوبت و محل چاپ: اول، تهران

سال نشر: ۱۳۷۸

کتاب از حیث میزان تتبع و تحقیق بسیار خوب و همت و حوصله نویسنده در این زمینه شایان تقدیر است. همین نکته سبب شده کتاب حاوی مطالبی در خور تأمل و سودمند باشد. به هر حال، این کتاب بر کتب موجود در حقوق تجارت از لحاظ حجم تحلیل و برخی دقتها برتری دارد.

تا آنجا که در حدود اطلاعات فقهی نویسنده بوده است، ایشان سعی کرده‌اند که از حقوق اسلامی نیز در مقایسه و تحلیل بهره ببرند و نکات خوبی نیز در این زمینه بیان داشته‌اند؛ ولی باید گفت در به‌غیر از «ورشکستگی»، که فقها مطالبی و مسائلی را به نحو نسبتاً مشروح دارند (باب افلاس و خیار تفلیس)، در سایر امور، به لحاظ نبود منابع کافی مطالب چندانی در کتاب وجود ندارد، اگرچه آنچه که گفته‌اند به همان اندازه خوب و مفید است. حق آن است که بگوییم تحلیل و تبیین عمیق مسائل جدید حقوقی از دیدگاه اسلامی باید از سوی مجتهدین صورت گیرد که با توجه به قوه استنباط از منابع بتوانند حق مطلب را ادا کنند.

کتاب در هفت فصل تدوین شده که سه فصل آخر آن (۵ و ۶ و ۷) ارتباط محتوایی زیادی با «حقوق تجارت» به مفهوم معمول ندارد و مطالعه آن برای خوانندگانی که هدف خاص یا نیازی به این امور ندارند، ملال آور است. البته تحقیق و دقت نظر قابل توجهی

۴۴ نقدنامه فقه و حقوق

در این سه فصل صورت گرفته، ولی بهتر می‌بود در مجموعه مقالات یا کتبی مستقل با عنوانی مناسب منتشر می‌شد. شاید از کل مطالب سه فصل مزبور حدود ۱۰ صفحه به اختصار در خور این کتاب باشد.
برخی از اشکالات کتاب:

۱- صفحه ۲۷، پاراگراف چهارم: عملیات ساختمانی و ایجاد مسکن را عمل تجاری مشمول بند ۱ ماده ۲ قانون تجارت می‌داند. اگرچه به لحاظ نظری و واقعیات تجاری و اقتصادی عملیات مزبور تجاری است ولی مشمول بند مزبور نمی‌شود و قانون تجارت باید از این لحاظ اصلاح شود. (ر.ک: به شماره ۵)

۲- صفحه‌های ۳۴-۳۶: معاملات ساختمان را با این استدلال که ساختمان سازان مصالح را می‌خرند تا آنها را بفروشند، تجاری و مشمول بند ۱ ماده ۲ قانون تجارت دانسته است.

باید گفت قصد ساختمان سازان خرید و فروش «مصالح» نیست، که اصولاً این کار شغلی مستقل است، آنان ساختمان را که ارزشی افزوده دارد می‌فروشند و چون ساختمان غیر منقول است، به تصریح ماده ۴ قانون تجارت، معاملات آن به هیچ وجه تجاری محسوب نمی‌شود. بدین ترتیب استدلال فوق درست نیست.

البته استناد به ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها که می‌گوید: «انواع شرکت‌های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختن خانه و آپارتمان و محل کسب، به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود، از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مربوط به کارهای ساختمانی ممنوع‌اند. به خصوص، با توجه به عبارت «سایر معاملات بازرگانی» می‌توان استدلال کرد که معاملات ساختمانی - و نه هر غیر منقول - تجاری است.

در خصوص تأکید نویسنده به عمل «ساختن» باید گفت عمل مزبور «معامله» نیست تا تجاری باشد و در هیچ یک از بندهای ماده ۲ قانون تجارت نیز نمی‌توان عبارتی یافت که طبق آن صرف «ساختن» ساختمان را بتوان تجاری دانست.

استناد به سخن آقای دکتر ستوده صحیح به نظر نمی‌رسد. ایشان در مقام توجیه تجاری بودن معاملات غیر منقول و نقد قانون تجارت در وضعیت فعلی است نه آنکه بخواهد با استناد به بند ۱ ماده ۲، آن را تجاری محسوب کند.

مباحث تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری ۴۵

- ۳- صفحه ۳۷: مناسب بود در مفهوم و مقصود از «ادغام» شرکتهای تجاری توضیح حقوقی بدهند به خصوص اینکه چنین اصطلاح و روشی در قانون تجارت ایران نیست.
- ۴- صفحه ۵۵، بند ۶: در این بند «قصد انتفاع» را از اجزای لازم در ساختار شرکتهای تجاری دانسته است. باید گفت، در تمام انواع شرکتهای تجاری، کافی است عملیات آنها یکی از بندهای ماده ۲ قانون تجارت باشد، اعم از آنکه قصد انتفاع داشته باشند یا نه. ضمناً این مطلب جدا از این مطلب است که اگر شرکتهای سهامی دارای موضوعی باشند، خارج از بندهای ماده ۲ یاد شده باز تجاری محسوب می‌شوند (و فارغ از قصد انتفاع یا غیر آن).
- ۵- صفحه ۶۲، پاراگراف آخر: روشن نیست مقصود نویسنده از «قرارداد شرکت» قراردادی است که برای تشکیل شرکت منعقد می‌شود یا قراردادی که شرکت با سایر اشخاص می‌بندد. به هر حال، با عبارات ذیل همین پاراگراف و نیز پاراگراف قبل همسان نیست.
- ۶- صفحه‌های ۶۹ و ۶۷: آخر صفحه ۶۷ تصریح کرده که اراده گروه‌ها و احزاب، مستقل از اراده «اداره کنندگان مؤسساتشان» است، ولی در خاتمه بحث صفحه ۶۹ اراده تصمیم گیرندگان را همان اراده شخص حقوقی بیان کرده است. مثلاً، اینکه اراده شخص حقوقی در تصمیمات ارکان آن که با همین عنوان و به موجب اساسنامه یا قانون اتخاذ می‌شود می‌آید؛ که این اراده، لزوماً همان اراده‌ای نیست که اداره کنندگان در غیر از عنوان مزبور و به عنوان اشخاص مستقل داشته باشند.
- از طرف دیگر، چک را بانک (محال علیه) می‌پردازد نه شرکت (صاحب حساب). مقصود از عبارت چندان مشخص نیست. ضمن آنکه مسئولیت مدیر در پرداخت چک در فرض مسئله، دلیل عدم نمایندگی نیز می‌تواند قلمداد شود.

نام کتاب: حقوق تجارت
مؤلف: محمد علی عبادی
ناشر: گنج دانش
نوبت و محل چاپ: اول، تهران
سال نشر: ۱۳۷۵

متن ساده و شیوایی به نگارش درآمده است، به‌مخصوص برای دانشجویان غیر رشته حقوق، اطلاعات خوبی را ارائه نموده است. کتاب از نظر ادبی خوب است ولی برخی مسائل نگارشی در آن رعایت نشده است. برای مثال:
صفحه ۳، سطر آخر؛ صفحه ۲۴۱، یک سطر به آخر؛ صفحه ۲۴۱، چهار سطر به آخر؛
صفحه ۲۸۴، سطر ۴ و صفحه ۱۴، سطر ۲.
از حیث به‌کارگیری اصطلاحات و واژه‌های تخصصی، باید گفت که متن اصطلاحات ترجمه‌ای ندارد و در استفاده از واژه‌های تخصصی حقوق نیز معمولی است و نکته خاصی ندارد.

بهبود نویسنده برای تفهیم مطلب از فنون و ابزارهای لازم بیشتر استفاده می‌کرد. در ایجاد سؤال و انگیزه در دانشجو بسیار ضعیف عمل شده است. بعضی نکات علمی است که ایشان اصلاً متعرض آن نشده‌اند و لاقلاً می‌توانستند به عنوان طرح سؤال به عهده دانشجو بگذارند. در آموزش علم حقوق تجارت می‌توانستند برای آموزش بهتر فرم‌هایی از چک و سفته و برات را در کتاب ارائه نمایند و در تشکیل شرکت‌ها نیز نمونه‌ای از فرم‌های مراحل تشکیل شرکت و اساسنامه نویسی و ... را ارائه نمایند و همین شیوه را در چگونگی کار اداره تصفیه امور ورشکستگی به کار ببرند. پیشرفت‌ها و مصوبات جدید در

حقوق تجارت ۴۷

علم حقوق تجارت، چه در سطح بین‌المللی (کنوانسیون ژنو) و چه در سطح داخلی (تغییرات قانون چک)، در آن لحاظ نشده است. از آراء وحدت رویه در دعاوی تجاری نیز استفاده نشده است.

محتویات متن با فهرست مطابقت دارد. مطالب فصول و عناوین در بسیاری از موارد، جامعیت ندارد، برای مثال:

(۱) از صندوق‌های الف و ب دادگستری که در بحث ورشکستگی مطرح است، صحبتی به میان نیامده است.

(۲) دربارهٔ سلسلهٔ ظاهر نویسی، که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت بحث شده و بسیار مفصل است، بحثی به میان نیامده است.

(۳) از ماده ۵۵۷ قانون تجارت، که بسیار بحث‌انگیز است، صحبت نشده است.

(۴) مواد ۲۹۰ و ۲۷۴ قانون تجارت، که بحث تئوری محل را مطرح می‌نماید، در کتاب بسیار ناقص بحث و در صفحهٔ ۲۴۰ فقط به‌طور اجمالی مطرح شده است.

(۵) در صفحهٔ ۲۴۱، تخصیص محل برات پشوانهٔ قانونی ندارد و استنادی به منبع آن نشده است. البته به‌جز این ایراد عمده که مطالب به اختصار بحث شده است و برای رشتهٔ تخصصی حقوق کافی نیست، ترتیب، انسجام و تسلسل منطقی مطالب مناسب است.

در صفحهٔ ۲۴۰، اشاره‌ای به رویهٔ قضایی فرانسه و آلمان در مورد تئوری محل شده، اما مدرک آن ذکر نشده است. از حیث استناد به مواد قانونی کتاب بی‌اشکال است، اما غیر از تحلیل‌ها و تفسیر از مواد، به‌طور حتم از نظرات سایر اساتید حقوق استفاده شده یا لااقل مورد ملاحظهٔ مؤلف قرار گرفته است، اما حتی یک مورد هم در زیر نویس‌ها ارجاعی مشاهده نمی‌شود. اگر چه، اصول علمی رعایت شده است، اما به دلیل اختصار برای تدریس واحدهای درسی «حقوق تجارت» مناسب و مکفی نیست.

نام کتاب: آیین دادرسی مدنی ج ۱
مؤلف: نادر مردانی و محمد جواد بهشتی
ناشر: میزان
نوبت و محل چاپ: دوم، تهران
سال نشر: ۱۳۸۱

کتابروان و رسا است. از حیث رعایت قواعد ویرایش و نگارش، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) از برخی علائم و قواعد معمول استفاده شده است مثل ، / . / :
 - ۲) در برخی موارد، بعد از ویرگول، واو به کار رفته است. مثل صفحه ۱۴۵، سطر ۱۵
 - ۳) در تقسیم بندی ها شیوه واحدی رعایت نشده است. مثلاً، در صفحه ۲۹ «حوزه صلحیه» عنوان ندارد.
 - ۴) در برخی موارد، تقسیمات ذیل فصل با عدد شروع شده است و در برخی موارد، با حروف (ر.ک: به فهرست).
- کیفیت اثر از لحاظ حروف نگاری، صفحه آرایی، صحافی و طرح روی جلد در حد متوسط است. تناسب حجم اثر با تعداد واحدهای درسی رعایت شده است، اما از نظر محتوا، بسیاری از مطالب در حجم مورد نظر به مطالب تاریخی اختصاص یافته است که کاربرد عملی ندارد.
- اصطلاحات تخصصی و حقوقی در حد معمول به کار رفته است و به جز موارد رایج، معادل‌سازی خاصی صورت نگرفته است. بهره گیری از ابزارهای علمی، مانند: طرح بحث مقدماتی، جمع بندی نهایی، تمرین و آزمون بسیار کم است. بسیاری از مطالب کاربردی

حقوق تجارت ۴۹

نیست و مربوط به قبل از انقلاب است. موارد قابل توجهی نیز که مربوط به بعد از انقلاب است، با توجه به تغییر مقررات کاربرد ندارد.

همچنین با توجه به اصلاحات انجام شده در سال ۸۱ در قانون تشکیلات دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مواردی مثل: دادرسی، دادگاه کیفری استان و ... طرح نشده است. از حیث نوآوری و روز آمدی داده‌ها و اطلاعات، مورد قابل توجهی در کتاب وجود ندارد. در نهایت، فقط حدود ۵۰٪ کتاب قابل استفاده است و چون از منابع خاصی استفاده نشده و از حیث محتوا نیز در حد متوسط است، نیازمند اصلاحات است (اعم از ماهوی و شکلی).

حقوق جزا
و
جرم‌شناسی

نام کتاب: حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال

مؤلف: محمد صالح ولیدی

ناشر: امیر کبیر

نوبت و محل چاپ: دوم، تهران

سال نشر: ۱۳۶۹

نقاط قوت کتاب:

- الف) از حیث علمی و ارزشی نسبتاً مطلوب است.
- ب) از حیث رعایت سبک علمی استناد و ارجاع مناسب است.
- ج) ارتباط شکلی میان مطالب متن از خوب است.
- د) تسلسل و انسجام منطقی کل متن از عنوان تا نتیجه تاحدودی مناسب است.

نقاط ضعف:

- الف) متن در صدد پاسخ دادن به سؤال خاصی نیست.
 - ب) اصول و مبادی موضوعه بحث در متن تصریح نشده است.
 - ج) جامعیت مطالب و موضوعات در قیاس با عنوان متن ضعیف است.
 - د) عدم تناسب حجم با تعداد واحد درسی
 - ه) تعداد و تنوع منابع و مأخذ کم است.
- پیشنهادها:
- الف) انجام اصلاحات در ویراستاری و نحوه ارجاعات
 - ب) کتاب در شکل کلی زیاد مطلوب به نظر نمی‌رسد و نیاز به اصلاحات و تکمیل مباحث دارد.

نام کتاب: حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)

مؤلف: حسین میرمحمد صادقی

ناشر: میزان

نوبت و محل چاپ: سوم، تهران

سال نشر: ۱۳۷۶

نقاط قوت:

الف) متن از نظر علمی و ارزشی خوب است.

ب) بسیاری از مباحث کتاب به خوبی طرح و ارائه شده‌اند.

پیشنهاد:

- بهتر است از قواعد اصولی برای تحلیل مسائل حقوقی بهره گیری شود تا ذهن دانشجویان از نظر نحوه استدلال حقوقی تقویت شود.
- کتاب فوق، در مجموع کتاب خوبی است.

نام کتاب: حقوق جزای اختصاصی
مؤلف: ایرج گلدوزیان
ناشر: مؤسسه انتشاراتی جهاد دانشگاهی
نوبت و محل چاپ: پنجم، تهران
سال نشر: ۱۳۷۵

حقوق جزای اختصاصی تألیف آقای گلدوزیان تا حدودی کتاب خوبی است، اما از نظر شکلی و محتوایی و ارجاع به منابع به مطلوب نمی‌باشد.

افزون بر ذکر نکردن کامل مشخصات منابع، در مواردی نیز صفحه‌های اسناد داده شده با متن اصلی همخوانی ندارد. مثلاً، آنچه در صفحه ۴۷ کتاب در «المسئولیه الجزائیه فی الفقه الجعفری» به صفحه ۱۸۷ ارجاع شده است، با متن اصلی مرجع تطبیق ندارد. همچنین مطالبی که در صفحه ۷۵ به کتاب *تحریر الوسيله* ارجاع داده شده اما، مطلب مورد نظر نویسنده در آنجا مشاهده نمی‌شود.

در حدود ۵۰ الی ۶۰ درصد موارد، ضوابط ارجاع رعایت نشده و غالباً نوبت چاپ، محل چاپ، ناشر، سال نشر در پاورقی‌ها قید نشده‌است. برای نمونه، می‌توان به آنچه در صفحه‌های ۲۴-۲۹-۳۷-۸۴-۸۵-۷۵-۱۰۰-۱۶۱ و ... آمده است، اشاره کرد. در مواردی نیز ارجاعات نسبتاً کامل است؛ مثل صفحه ۸۰ و ۱۹۱ و ...

فهرست مطالب کتاب خوب تنظیم شده است.

تناسب عناوین با فصول و مطالب حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد است، اما در مواردی هم اصلاً تناسب ندارد. مثلاً، یک بخش به ۱۱۵ صفحه منحصر شده است (بخش اول) در

۵۶ نقدنامه فقه و حقوق

حالی که حجم بخش دوم (صص ۷۹-۲۹) حدود ۵۰ صفحه است. در ترتیب فصول و بخش‌ها نیز اشکالاتی مشاهده می‌شود.

الگوی مورد نظر نویسنده در تقسیم مطالب به شرح زیر است:

باب - مبحث - بخش - ۱ و ۲ - الف و ب - اول و دوم - اولاً و ثانیاً. اما در بسیاری موارد ترتیب مذکور رعایت نشده و این نظم کاملاً بر هم می‌خورد. گاه بخش به بندهای الف - ب ... منقسم می‌شود (صفحه ۱۷۰ بخش اول و صفحه ۱۸۳)، گاه بخش به اولاً و ثانیاً ... منقسم می‌شود (صفحه ۱۹۰ بخش دوم) و گاه به اول و دوم ... (ص ۱۴۰ به بعد)، گاهی نیز بندهای الفبایی به عدد منقسم شده است (ص ۱۲۰)..... گاه عدد به عدد مانند (ص ۸۴) و یا عدد به اولاً و ثانیاً (ص ۹۶ - ۹۵)، و اولاً و ثانیاً به عدد (ص ۵۹) یا اولاً و ثانیاً به الفبا (ص ۶۳ و ۶۲) و گاه نیز اول و دوم به عدد (ص ۹۴).

در کل، می‌توان گفت با حوصله بیشتر و ویراستاری، نقایص شکلی کتاب را می‌توان رفع کرد.

کتاب مقدمه ندارد و آنچه‌با عنوان مقدمه آمده، فصل تمهیدی است و جزو متن درس می‌باشد و در واقع مدخلی بر دروس «حقوق جزای اختصاصی» است و نه مقدمه کتاب؛ ولی فهرست مطالب به طور کامل تنظیم شده است. کتاب نتیجه‌گیری، خلاصه، نمایه، کتابشناسی و فهرست منابع ندارد، به نظر می‌رسد نویسنده فرصت‌کافی برای تنظیم موارد فوق نداشته‌اند.

از نظر بررسی علمی مطالب می‌توان گفت: تنها حدود ۶۰٪ مطالب لازم در این اثر تحلیل و بررسی شده است و در مواردی هم اساساً نامی از مباحث به میان نیامده، مثل: اضطراب در جنایات، اجبار، اکراه در قتل و جنایات مادون نفس، حیات غیر مستقر، جنایت در حال خواب و ...

مواردی نیز ذکر شده است که در فقه جزایی و مواد قانونی سابقه ندارد. مثل آنچه در صفحه ۱۵۶ در عنوان «قتل و صدمات بدنی غیر عمدی موجب ضمان» آمده است. زیرا اولاً، تمام جنایات غیر عمدی اساساً موجب ضمان هستند و به طور کلی، صدمه نامشروع به دیگری، اگر چه غیر عمد باشد، باید الزاماً جبران شود. ثانیاً جنایات غیر عمدی از یکی از عناوین شبه عمد و خطای محض خارج نیست و ثالثاً، عنوان مذکور در عرض جنایات شبه عمد و خطای محض قرار گرفته است که هرگز با مواد قانونی و فقه جزایی انطباق

حقوق جزای اختصاصی ۵۷

ندارد. به علاوه، آنچه در این بخش و با عنوان مذکور مورد توجه نویسنده قرار گرفته است، در واقع، از مسائل مشترک همه انواع جنایت بوده و مثال‌های مطرح شده از مصادیق یکی از صورت‌های سه گانه جنایات (عمد، شبه عمد، خطای محض) است.

متن کتاب سطحی است و بیشتر به ذکر مواد قانونی - بدون بررسی عمیق آن مبتنی بر منابع مورد الهام قانون‌گذار - پرداخته شده که گاه با مقررات و قوانین فراسوی آن آمیخته شده است. کتاب ۵۰٪ نیازهای دانشجویان را در این درس پاسخگویی باشد. به جز چند مورد اندک، به منابع دست اول مورد توجه قانون‌گذار جزایی توجه نکرده است. از این رو، عدم توجه نویسنده به فقه جزایی و قواعد فقهی حاکم بر قوانین، موجب شده است که کتاب از محتوا و عمق لازم برخوردار نباشد. بسیاری از برداشت‌های غلط نویسنده نیز ناشی از همین امر است. این کتاب دانشجویان را اقناع ننموده و نمی‌تواند پاسخگوی سئوالات دانشجویان در زمینه درس «حقوق جزای اختصاصی ۱» باشد.

در بسیاری موارد، عنوان انتخابی با محتوای مطرح شده هماهنگی و تطابق ندارد. مانند: الف - صفحه ۷۰: در شرایط اجرای قصاص به مطالبی پرداخته شده است که شرایط تحقق قتل عمدی است. بدیهی است بحث از شرایط اجرای قصاص مسبوق به احراز شرایط و عناصر ثبوت آن است؛ بنابراین، جود عقل، بلوغ و ... از شرایط تحقق عمد و ثبوت قصاص است نه از شرایط اجرای آن.

ب - صفحه ۵۶: در عنوان رکن قانونی قتل عمدی به جای بیان رکن قانونی به «مجازات قتل عمد» پرداخته شده است و بهتر بود عنوان نیز به «مجازات قتل عمدی» تغییر داده می‌شد.

ج - صفحه ۱۳۴: عنوان مذکور در بند ج، ظاهراً حاکی از این امر است که در این موارد ما به ازاء جنایت ارتكابی، تعزیرات است. در حالی که در تمام جنایات غیر عمدی دیه ثابت است و علاوه بر آن، در مواردی با توجه به وجود خطای جزایی در فعل ارتكابی و از نظر حیثیت، قانون‌گذار تعزیر را نیز پیش بینی کرده است. اصطلاح جنایت تعزیری نامأنوس و غیر علمی است.

د - صفحه ۶۶، بند ۳: ظاهراً اشتباه در مفهوم «شبهه» با آنچه درباره شبه عمد آمده موجب انتخاب همین عنوان شده است.

ه - صفحه ۲۸: در عنوان «قتل در قرآن»، ناگهان به ذکر اظهار نظر کمیسیون استفتائات درباره جنبه عمومی قتل پرداخته شده است.

- و - صفحه ۲۹: در عنوان تعریف «قتل عمدی در قوانین موضوعه»، به بیان تعریفی از «شرایع الاسلام» پرداخته شده است.
- ز - صفحه ۵۲: موارد ذکر شده در بندهای ثانیاً، ثالثاً و رابعاً، هیچ ارتباطی با عنوان کلی انگیزه ندارد. در بسیاری موارد، در بیان مطالب ذکر شده، ترتیب منطقی مشاهده نمی‌شود که به بیان مواردی از آن ذیلاً اشاره می‌شود:
- ۱- صفحه ۶۶: آنچه در بیان ملازمه عمد با قصاص عنوان شده است با توجه به محتوای متن، بهتر بود با تغییر عنوان در بررسی رکن معنوی قتل ذکر می‌شد.
 - ۲- در صفحه ۳۷: بحث رضایت در قتل در حوزه رکن مادی مطرح شده است، در حالی که اساساً ارتباطی با رکن مادی ندارد. به علاوه، همین بحث در رکن روانی و با عنوان نامناسب (انگیزه) مجدداً مطرح شده است.
 - ۳- در بررسی رکن مادی جنایات عمدی، به مبحث مهم رابطه علیت هیچ اشاره‌ای نشده است در حالی که در جنایات شبه عمد در یک صفحه (ص ۱۳۱ - ۱۳۰) عنوان شده است.
 - ۴- صفحه ۱۲۹: در بیان عناصر متشکله جنایت شبه عمدی هیچ ترتیب منطقی در موارد ذکر شده مشاهده نمی‌شود. به علاوه، به مواردی نظیر مسئولیت پزشکی اشاره شده است که هیچ ربطی به عنوان مطالب (عناصر متشکله) ندارد.
 - ۵- صفحه ۷۹: آنچه در بیان ادله اثبات جنایات مطرح شده، مربوط به همه انواع جنایات با اندکی اختلاف است. از اینرو، بهتر آن بود که این بحث به قسمت آخر جنایات منتقل می‌شد.
 - ۶- عنوان مبحث سوم کتاب «قتل و صدمات بدنی غیر عمدی» است (ص ۱۲۳). در همین حال، عنوان بخش دوم همین مبحث «قتل و صدمات بدنی غیر عمدی موجب ضمان» می‌باشد. با توجه به اینکه، تصور جنایات غیر عمدی غیر موجب ضمان، منتفی است - زیرا با عدم ضمان فعل ارتكابی و نتیجه، اساساً جنایت قلمداد نمی‌شود - عنوان مذکور از حیث محتوا و نیز در ارتباط با عنوان مبحث توجیه ناپذیر است. به علاوه، در ذیل عنوان اخیر، در بخش دوم، مطالبی بیان شده است که منحصر به نوع خاصی از جنایات نبوده و بر همه انواع جنایات منطبق است. بحث از سبب و مباشر و رابطه علیت بحث مشترک همه جنایات است.

حقوق جزای اختصاصی ۵۹

۷- صفحه ۱۶۳: در عنوان «جنایات خطای محض» ارکان جنایت بررسی و تحلیل شده است؛ نویسنده در این بحث به ذکر مواد قانونی اکتفا کرده است.

۸- به طور منطقی باید مبحث چهارم (شرکت و معاونت در جنایات)، پس از مبحث پنجم (سقط جنین) مطرح شود. زیرا سقط حمل نیز در قالب یکی از انواع جنایات قرار می‌گیرد که ممکن است مرتکب با مشارکت یا معاونت دیگری بدان دست یازد

در تمام طول کتاب فقط یک سؤال جدید مطرح است و «آیا برخی احکام قسامه با اصل براءت مغایرت دارد؟» که پاسخ به این پرسش نیز از نظر علمی مناسب نمی‌باشد.

از آنجا که حقوق جزا در نظام جمهوری اسلامی ایران با فقه جزایی گره خورده است، هرگونه تلاش در شرح و تحلیل مواد قانونی و مباحث جزایی بدون توجه به احکام فقهی کاملاً ناموفق خواهد بود.

نام کتاب: حقوق جزای عمومی (جلد ۱ و ۲)

مؤلف: هوشنگ شامبیاتی

ناشر: ویستار

نوبت و محل چاپ: پنجم، تهران

سال نشر: ۱۳۷۴

از نظر شکلی

در بسیاری از موارد، کتاب از سادگی بیان و رسایی برخوردار است، لکن در مواردی که در ذیل ذکر می‌شود فاقد این ویژگی و بعضاً مبهم است. ضمناً در مواردی هم به عدم رعایت قواعد دستور زبان و اشتباه چاپی برمی‌خوریم که موجب خدشه دار شدن روانی متن می‌شود.

۱- موارد مبهم

جلد اول:

ص ۷۵، ص ۲۲ و ۲۳ - ص ۷۸، ص ۶ - ص ۸۲، ص ۹ - ص ۱۴۴، ص ۲۲ و ۲۳ -
ص ۱۹۷، ص ۱۳ - ص ۲۳۷، ص ۴ الی ۱۴ - ص ۲۵۷ دو سطر آخر - ص ۳۲۱، ص
۳۲۰ - ص ۳۷۷.

جلد دوم: ص ۷۳، ص ۲۶ - ص ۱۲۶، ص ۹ - ص ۱۷۷، ص ۱۳ - ص ۲۰۳، ص ۱۰ -
ص ۲۷۹، ص ۲۶ - ص ۲۸۹، ص ۱۴ الی ۱۷ - ص ۳۱۸، ص ۱۵ - ص ۳۹۵، ص ۱۹ - ص
۴۵۶، ص ۲۱ الی ۲۳.

۲- موارد عدم رعایت قواعد زبان فارسی:

حقوق جزای عمومی ۶۱

- جلد اول: ص ۱۱۹، س ۴ - ص ۱۴۱، س ۶ - ص ۳۶۰، س ۱۲ - ص ۳۸۲، س ۲۳ - ص ۱۴۱، س ۶
- جلد دوم: ص ۸۲، س ۱۴ - ص ۱۹۸، س ۱۵ - ص ۲۸۸، س ۹ - ص ۳۰۷، س ۱ - ص ۴۴۹، س ۳.
- ۳- کتاب فاقد نتیجه گیری، خلاصه، نمایه و کتابشناسی است.

از نظر محتوایی

۱- برای تعداد واحد اختصاص یافته به درس «حقوق جزای عمومی»، به نظر می‌رسد این متن قدری حجیم است و برخی از مباحث آن بیش از اندازه بسط داده شده. مثلاً، در ابتدای کتاب از هر کدام از رشته‌های حقوق یا علوم سخن به میان آمده و بررسی شده است و بعضاً مطالب آن رشته نیز تبیین شده‌اند؛ به طوری که حدود صد صفحه از ابتدای جلد اول به این مطالب پرداخته شده و یا مباحث مربوط به مسئولیت کیفری اطفال بسیار گسترده مطرح شده است. از نظر عنوان، در برخی مباحث از حقوق جزای عمومی خارج شده و مباحث حقوقی دیگری مطرح شده است. مثلاً، در جلد دوم (مبحث مربوط به طبقه بندی مجازات) با عنوان مجازات اعدام، محاربه و فساد فی الارض، مطرح و مصادیق آن مثل: سرقت مسلحانه، قیام مسلحانه و طرح براندازی، بیان شده و یا فرق محارب با یاغی مطرح شده و یا شرایط اجرای مجازات قصاص و ادله اثبات قصاص بررسی و تبیین شده است. در مجموع، متن از جامعیت نسبی برخوردار است.

۲- آنچه که در متن بحث و بررسی شده‌است با همان عناوینی می‌باشد که در فهرست آمده‌است اما در مواردی عناوین متن با عناوین فهرست تطابق ندارد؛ مثل:

جلد اول: صفحه ۲۷ «باب اول - کلیات»، صفحه ۲۹ (تعریف و اهمیت حقوق جزا)، صفحه ۲۴۰ (تفسیر از راه قیاس)، صفحه ۳۶۰ (نحوه ارتکاب جرم)، صفحه ۳۷۷ (سوء نیت عام و سوء نیت خاص).

جلد دوم:

صفحه ۱۲۳ (بند ج، مسئولیت کارفرما)، صفحه ۱۲۵ (نوع قتل)، صفحه ۳۵۲ (کیفیت اجرای مجازات شلاق)، صفحه ۴۷۷ «تعیین مدت».

۳- در موارد زیر مطالب جامعیت لازم را ندارند.

جلد اول:

۶۲ نقدنامه فقه و حقوق

صفحه ۱۲۱ سطر سوم عنوان بحث «عوامل اقتصادی» است، اما در مورد شهر و روستا و محیط شهری و روستایی صحبت نشده است. در صفحه ۲۳۸، س ۲۰، ارتباط «قاعده درأ» با تفسیر مضیق بیان نشده و صرفاً به توضیح مختصر کفایت شده است. صفحه‌های ۳۶۲ - ۳۶۰، (مبحث تقسیم بندی از نظر نحوه ارتکاب): این تقسیم بندی مختصر، بدون توضیح و شرح است و بهتر بود واضح تر و با تبیین بیشتری توضیح داده می‌شد. مثلاً، در صفحه ۳۶۲، کلاهبرداری از جرایم مرکب قلمداد شده، ولی اجزای آن بیان نشده و فقط متن قانون آمده است.

جلد دوم:

صفحه ۲۹ س ۴- بند «و» در مقایسه بین مسئولیت کیفری و مدنی، نحوه رسیدگی به مسائل کیفری مطرح شده، ولی به نحوه رسیدگی مدنی اشاره‌ای نشده است. صفحه‌های ۶۶-۶۴: (گفتار دوم تعریف جنون): در این گفتار به جای پرداختن به تعریف حقوقی جنون به تحلیل روان شناسی پرداخته شده است. در صفحه ۱۳۲، س ۱۶ گفته شده است: «نکته قابل توجه در این ماده این است که: اولاً ... ثانیاً ...»؛ در ذیل «ثانیاً» موارد ذکر شده فراتر از ماده ۲۹۵ است و به مواد ۲۲۱، ۳۰۶ و ۳۲۳ مربوط می‌شود.

صفحه ۴۳۰، س ۳: این مطلب مربوط به قسمت ثانیاً (س ۱۴) است که جرایم ارتكابی از یک نوع است و بهتر بود مسئله در ذیل آن مبحث مطرح می‌شد. ۴- تقسیم بندی مطالب از نظر ترتیب و تسلسل منطقی رعایت شده است و مطالب انجام لازم را دارند؛ بدین ترتیب که متن از چهار باب تشکیل شده: (۱) کلیات (۲) جرم و عناصر متشکله (۳) مسئولیت کیفری (۴) مجازات و اقدامات تأمینی؛ اما متن فاقد نتیجه گیری می‌باشد.

۵- در نگارش متن از منابع مرتبط با موضوع به حد کافی استفاده شده است.

۶- حدود ۸۰٪ با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی متن حاضر تقریباً مطابقت دارد.

حقوق جزای عمومی ۶۳

موارد عدم تطبیق عبارت‌اند از:

الف - موارد بخش اول «حقوق جزای عمومی ۱» که در سرفصل‌های شورای عالی برنامه ریزی آمده است، شامل: پدیده جنایی و علل آن، مفهوم مجرد حقوقی، واقعیت انسانی و اجتماعی، واکنش اجتماعی برضد پدیده جنایی، جنبه‌های حقوقی واکنش اجتماعی، جنبه‌های علمی واکنش اجتماعی می‌شود. که در متن حاضر آن مباحث بررسی نشده‌اند.

ب - از موارد بند ۳، بخش اول «حقوق جزای عمومی (۱)» سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی، «مکتب تحدید مداخله و الغاء نظام کیفری» مورد مطالعه قرار نگرفته است.

ج - مباحثی همچون: تعریف و اهمیت حقوق جزا، تقسیمات حقوق جزا، ارتباط حقوق جزا با سایر رشته‌ها و ... جزو سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی نمی باشد، اما در این کتاب آمده است.

نام کتاب: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

مؤلف: ضیاءالدین پیمانی

ناشر: میزان

نوبت و محل چاپ: اول، تهران

سال نشر: ۱۳۷۴

متن مذکور مواد قانونی مربوط به جرایم برضد امنیت و آسایش عمومی را نسبتاً خوب تجزیه تحلیل کرده است و از نظر تحقیق نیز با مراجعه به آراء دیوان عالی کشور سعی کرده به مطالب خود عمق بیشتری بدهد. از این نظر کیفیت آن ۷۰٪ است و حدود ترجمه و تلخیص ندارد. نویسنده مطالب خود را بر اساس قانون تدوین نموده است و در استناد آنها به مواد قانونی اشکالی وارد نیست.

ارجاعات درون متنیست و فقط به مواد قانونی ارجاع داده‌اند و به آراء وحدت رویه - بدون اینکه منبع مورد استفاده را با خصوصیات آن ذکر کنند - رجوع داده‌اند. کلیه جرایم برضد امنیت و آسایش عمومی بحث شده است و فهرست در برگیرنده تمام مطالب متن است و کاملاً با آنها مطابقت دارد.

نگارش متن از نظر رعایت اصول ادبی در حد قابل قبولی است؛ ولی از حیث ذکر مصادیق و تحلیل وقایع حقوقی ضعیف است که باید از این حیث تقویت شود.

متن کتاب صرفاً مبتنی بر سرفصل‌های شورای عالی برنامه ریزی است و مطالب اضافی ندارد. نویسنده به‌خوبی از عهده تجزیه و تحلیل موارد قانونی برآمده و صرفاً به مطالب مربوط پرداخته است. مشکل خاصی هم در آن وجود ندارد. زیرا قانون مجازات

حقوق جزای عمومی ۶۵

به‌طور عمده تغییر کرده است، به نظر می‌رسد کتاب خیلی قابل استفاده نیست. افزون بر این، نویسنده آن نیز فوت کرده‌اند و امکان اصلاح کتاب وجود ندارد. در کل، باید گفت که نویسنده فقط به یک تحلیل حقوقی از مواد قانونی اکتفا کرده است.

نام کتاب: حقوق جزای عمومی ایران، جلد ۱
مؤلف: ایرج گلدوزیان
ناشر: دانشگاه تهران
نوبت و محل چاپ: اول، تهران
سال نشر: ۱۳۷۳

ارجاع متن حدود ۹۰٪ رعایت شده و در بیشتر موارد، نام کتاب، نویسنده، ناشر و تاریخ نشر ذکر شده است.

فهرست در برگیرنده مطالب متن می‌باشد، ولی مطالبی که به هر عنوان ذکر شده است، متناسب با میزان آگاهی و شناخت نویسنده با مطالب این رشته از علم حقوق بوده است و البته مباحثی که مطرح نموده، بخشی از مطالبی است که می‌توان زیر هر یک از عناوین مندرج در فهرست بیان نمود؛ به‌ویژه در مورد عناوینی که به نوعی به مباحث فقهی مربوط می‌شود، مطالب کافی و گویا نیست و نویسنده در حد اشاره به آنها پرداخته است. از جمله: مبانی سیاست کیفری در شریعت جزای اسلام و مبانی و اهداف کیفر و اقدامات تأمینی در حقوق جزای اسلام. عناوین و فصول و بخش‌ها تقریباً متناسب با مطالب مطرح شده می‌باشد و از این حیث اشکالی به نظر نمی‌رسد.

در کل، از حیث شکلی نقص چندانی وجود ندارد و در حد قابل قبولی است. در مورد کیفیت استناد به منابع، به نظر می‌رسد دقت لازم اعمال شده و معمولاً عین مطالب منابع مورد استفاده نقل شده است. از جمله استناد به کتاب *مقارنه و تطبیق جزای عمومی اسلام* (صفحه ۲۱۰) و استناد به کتاب *حقوق بین الملل عمومی اثر آقای بیگدلی* (صفحه

حقوق جزای عمومی ایران ۶۷

۲۱۳ و ۲۱۴) و استناد به «گزارش علمی کنفرانس اجرای حقوق اسلام» تألیف گرجی (ص ۱۶۳).

مطالب کتاب نوعاً به صورت گزارش بوده و تحلیل‌های حقوقی کمتر در آن دیده می‌شود؛ در نتیجه، نتیجه‌گیری منطقی از مباحث طرح شده کمتر است. کتاب‌های موجود در رشته «حقوق جزای عمومی» می‌بایست از عمق بیشتری برخوردار باشند و با استفاده از منابع بیشتر می‌توان تحلیل‌های علمی بهتری ارائه نمود.

با توجه به اینکه سر فصل‌های شورای عالی برنامه ریزی کلی می‌باشد، به نظر می‌رسد مطالبی که در این بخش از حقوق جزای عمومی آمده است، به ضمیمه آنچه که نویسنده وعده داده در جلد دوم کتاب بیاورد، کلیه سرفصل‌ها را در بر دارد و مطالبی هم اضافه بر آنها ذکر شده است، مثل بحث استرداد مجرمین.

متن کتاب از حیث علمی برای تدریس مناسب نیست، زیرا مطالب آن نوعاً جمع آوری از کتاب‌های معتبر حقوقی است و بسیار خلاصه و گزارش گونه می‌باشد و صرفاً برای کسی که بخواهد به اختصار با فهرست مطالبی که در حقوق جزای عمومی مطرح می‌شود آشنا شود مفید است. در ضمن کتاب از نظر مباحث حقوق جزای عمومی، که به فقه اسلامی مربوط می‌شود، بسیار ضعیف است.

نویسنده منابع متنوعی را مورد استناد قرار داده است، اعم از فارسی، انگلیسی و فرانسوی؛ ولی این منابع بسیار محدود هستند و میزان ارجاعات به آنها بسیار اندک است. از نظر ارزشی نیز منابع از نوع دست اول نیستند و اعتبار علمی کافی را ندارند. نویسنده به اصول موضوعه و مبادی و پیش فرض‌ها کمتر توجه نموده است و صرفاً مباحث حقوقی مربوط به هر بحث را مطرح کرده است؛ لذا نمی‌توان کتاب را از نظر تحلیل علمی قوی و پر بار دانست. در قسمت‌های مختلف کتاب سئوال‌هایی که موجب دقت بیشتر خواننده بشود وجود ندارد و یا بسیار کم اهمیت است. کتاب فقط به طرح نظریات دیگران اکتفا نموده است و فرضیه جدیدی مطرح نشده است. با توجه به اینکه موضوعات حقوقی بیشتر توصیفی و تحلیلی هستند، طبعاً شیوه تجربی و برهانی در این گونه تحقیقات کاربرد زیادی ندارد. از لحاظ ارزشی نویسنده در حد توان و آگاهی خود به ارزش‌های اسلامی مربوط به موضوعات حقوق جزای عمومی توجه نشان داده است و مخالفت صریح یا ضمنی با ارزش‌های اسلامی در کتاب یافت نمی‌شود. کتاب از نظر قوت استدلال قوی نیست و مقدمات و دلایل چنان که باید محکم نیستند و شیوه‌های استدلال نیز ضعیف

۶۸ نقدنامه فقه و حقوق

است. ارزش‌های انسانی جایی که به موضوعات این کتاب مربوط می‌شود، رعایت شده است. در کتاب به مصالح مردم و نظام توجه شده و مطالب معارض با آنها دیده نمی‌شود. کتاب از نظر ایجاد روحیه تحقیق و پژوهش موفق به نظر نمی‌رسد. در نهایت اینکه کتاب از حیث شکلی مناسب است، ولی از نظر فقهی فاقد استدلال و تجزیه و تحلیل حقوقی است و نقطه قوت خاصی در آن مشاهده نمی‌شود. ضمن اینکه ضروری به نظر می‌رسد کتاب با توجه به مقررات جدید بازنگری شود. کتاب در صورت اصلاح اساسی بر اساس مقررات جدید و با افزایش تجزیه و تحلیل حقوقی برای تدریس مناسب است. کتاب برای استفاده کمک آموزشی مناسب است.

نام کتاب: حقوق جزای عمومی ج ۲

مؤلف: پرویز صانعی

ناشر: گنج دانش

نوبت و محل چاپ: اول، تهران

سال نشر: ۱۳۷۲

کتاب یکی از دروس تخصصی حقوق برای سطوح مختلف می‌باشد و نویسنده نیز از توانایی و دانش کافی در این زمینه برخوردار است، متن تخصصی و آمیخته به اصطلاحات خاص حقوق جزا است که نویسنده توانسته است مطالب را به گونه‌ای بیان کند که برای همه سطوح قابل فهم و استفاده باشد.

کتاب از حیث رعایت قواعد زبان فارسی مناسب است و مشکل خاصی ندارد. نویسنده قواعد دستوری و نگارشی و علائم را به خوبی رعایت کرده است، به خصوص، در نقل مطالب به خوبی منابع را مشخص کرده و ارجاع داده است. البته متن به دلیل مشتمل بودن بر قوانین قدیمی، برخی از کلمات و اصطلاحات را نیز در خود جای داده که امری اجتناب ناپذیر است. مثلاً، اختلال دفاعی (ص ۳۳)، حبس تکدیدی (ص ۲۱۳) و

متن آکنده او اصطلاحات بسیار زیاد حقوقی است و نویسنده با تسلط کامل از این واژه‌ها استفاه کرده و در ترجمه نیز موفق بوده است. علاوه بر اصطلاحات انگلیسی و فرانسوی، اصطلاحات لاتین هم استفاده شده است.

برای تفهیم مطالب از ابزار و فنون لازم استفاده شده است؛ مثل صفحه‌های ۱۶۶ و ۱۳۶.

۷۰ نقدنامه فقه و حقوق

مطالب متن کاملاً با فهرست مطابقت دارد. هر فصل مشتمل بر مطالب اصلی می‌باشد و علاوه بر آن، در مواردی بحث‌های تطبیقی اضافه نیز دارد، همچنین به تاریخچه و سیر تحول مطالب پرداخته و قوانین متعدد را مقایسه کرده است. تنها مورد نقصی که در تمام بخش‌های کتاب وجود دارد، عدم تطبیق مطالب با قوانین جدید است. این کتاب در کل، بر اساس قوانین قبل از انقلاب نگارش یافته که نقص بسیار بزرگی محسوب می‌شود.

کتاب دارای یک طرح منسجم و منطقی است و مطالب هم بر همان اساس تدوین شده‌اند و در ابتدای هر فصل نیز موضوعی طرح شده و سپس تاریخچه و سپس بحث اصلی مطرح شده است و از این نظر کتاب نقطه‌ضعفی ندارد. از منابع فارسی و غیر فارسی متعددی استفاده شده، اما منابع اسلامی آن بسیار کم است و کمترین توجهی به منابع فقهی نداشته است. این کتاب بیش از نیمی از سر فصل‌های مقطع کارشناسی را در بر دارد؛ یعنی، از حیث مباحث نظری مطابقت دارد، ولی از حیث مسائل تطبیقی خیر. یکی از امتیازات کتاب ارجاعات آن است. متن حاضر برای کتاب درسی مناسب نیست اما می‌توان از آن برای منبع و مرجع استفاده کرد.

حقوق عمومي

نام کتاب: حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول)

مؤلف: سیدمحمد هاشمی

ناشر: دانشگاه شهید بهشتی

نوبت و محل چاپ: اول، تهران

سال نشر: ۱۳۷۴

نام کتاب: حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد دوم)

مؤلف: سیدمحمد هاشمی

ناشر: مجتمع آموزش عالی قم

نوبت و محل چاپ: اول، قم

سال نشر: ۱۳۷۵

متن مورد نظر از لحاظ سادگی بیان، شیوا و رساست. نویسنده از واژه‌های ادبی و زیبا و قابل فهم استفاده کرده و جملات کوتاه و متین است. اندیشه خود را در جملات کوتاه و پاراگراف‌های مناسب بیان داشته و از این حیث متن بسیار مناسب است و هیچ گونه ابهام در آن مشاهده نمی‌شود و از نظر رعایت قواعد زبان فارسی نیز کامل است. واژه‌های تخصصی در متن حاضر درست و صحیح به کار گرفته شده، ولی در شناسایی پاره‌ای از اصطلاحات، دقت لازم و بررسی کامل صورت نگرفته است. مثلاً، واژه‌های «ندامت» صفحه ۱۱۱، «حسبه» صفحه ۲۱۷، «استضعاف» صفحه ۳۹۸، «مالکیت» صفحه ۳۴۳، «عفو عمومی» صفحه ۹۹ به درستی معنا نشده‌اند.

محتوای متن با فهرست مطابقت دارد و در این مورد نقصی مشاهده نمی‌شود. از حیث جامعیت مطالب، موارد نقصی بدین شرح مشاهده می‌شود: جلد ۲، بخش دوم مبحث اول، با عنوان «قانون‌گذاری» (ص ۱۵۷)، از قانون‌گذاری بر مبنای مصلحت و ضرورت که منتهی به تأسیس مجمع تشخیص مصلحت شد، بحثی نشده است. خوب بود در این مبحث از تأثیر عنصر مصلحت و ضرورت در قانون‌گذاری بحث می‌شد. همچنین اگر نویسنده مباحث مربوط به قانون‌گذاری را، که شامل: سیستم و روش قانون‌گذاری، مراحل قانون‌گذاری، مراجع مرتبط یا مؤثر در قانون‌گذاری، موارد قانون‌گذاری از طریق مجلس و همه پرسی، نظارت بر اجرای قوانین و ... می‌شود، ذیل عنوان مزبور جمع‌آوری و بحث می‌کردند بسیار مناسب و مطلوب به نظر می‌رسید، هر چند که بعضی از آن عناوین در جاهای مختلف بحث شده و بعضی عناوین بدون بحث باقی مانده است. از حیث تسلسل منطقی مطالب، ترتیب و انسجام آن در هر فصل و نیز در کل مناسب است. در مجموع طرح کتاب منظم است.

در بسیاری از مسائل مهم مثل مباحث مربوط به ولایت فقیه، عمدتاً از کتاب *مبانی فقهی حکومت اسلامی* ترجمه محمد صلواتی، تألیف آیت ا... منتظری استفاده شده است که در این زمینه، حداقل بایستی دیدگاه سایر فقها و علما را هم مطرح می‌ساخت. همچنین در بخش «مالکیت در اسلام» ج ۱، صفحه ۳۴۳ به بعد و بخش‌های دیگر که در خصوص ضوابط اقتصاد اسلامی مباحثی دارد، از کتاب‌های فقهایی که در این زمینه وجود دارند، مثل کتاب مرحوم صدر *اقتصادنا* استفاده نشده است که جهت گستردگی بهره‌گیری از منابع مختلف می‌تواند مورد اشکال قرار گیرد.

پاره‌ای از مباحث به درس «حقوق اساسی» (۱)، یعنی کلیات ارتباط پیدا می‌کند؛ نظیر مباحث مربوط به دولت، حاکمیت، قوای سه‌گانه و در بعضی از مباحث هم امکان تلخیص وجود دارد. ضمن اینکه مؤلف در پیش‌گفتار جلد اول اظهار داشته که مباحث کتاب فراتر از درس حقوق اساسی است و می‌تواند در دوره‌های کارشناسی ارشد «حقوق عمومی» و حتی رشته‌های علوم سیاسی و مدیریت قابل ارائه باشد (ص ۸ بند ۲). همچنین در پیش‌گفتار جلد دوم، وعده تدوین جلد سوم داده شده است. بنابراین، مطابق این وعده بخش حقوق ملت در جلد مزبور ارائه نشده که از این نظر ناقص است. از نظر رعایت اصول علمی در تحریر اثر باید گفت در مباحث حقوق اساسی تنها به بیان قواعد موجود و حاکم در نظام سیاسی پرداخته نمی‌شود، بلکه باید به نقد و تحلیل و ذکر محاسن و معایب قواعد

حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ۷۵

پذیرفته شده‌در قانون اساسی و نظام سیاسی نیز پرداخته شود، اما در این نوشته موارد نقد علمی کمتر دیده شده است. اثر بیشتر جنبه واقع‌نگاری و بیان رخداد‌های سیاسی و ارائه نظریات لحاظ شده است.

پاره‌ای از مسائل باتوجه به تحولات سریع جامعه ما مطرح نشده است. مثلاً، در مورد تشکیلات دادگستری که دادگاه مدنی خاص تبدیل به دادگاه خانواده شده است (ص ۵۰۸، ج ۲). همچنین با توجه به عملی شدن و اجرای اصل شوراها در کشور به عدم اجرای آن اشاره شده استصفحه ۵۸۳- ج ۲، گویا مؤلف کلاً نوشته‌اش را قبل از انتخابات شوراها تدوین نموده است.

در رابطه با نظام جمهوری اسلامی، پاره‌ای از موارد مطرح شده در کتاب قابل بحث است. نمونه ۱، صفحه ۳۱ ج اول، نویسنده در خصوص پیش نویس قانون اساسی اظهار داشته‌اند: «هر چند که لایحه پیشنهادی از همان ابتدای کار مجلس مورد انتقاد نمایندگان بود» ولی بدون اینکه به محتوای لایحه پیش نویس قانون اساسی اشاره‌ای کنند یا علت انتقاد را بیان کنند از آن گذر کرده‌اند. بنابراین، صرفاً به انتقاد اشاره شده، در حالی که، هماهنگ‌گونه که همه می‌دانند، نخستین انتقاد به پیش نویس قانون اساسی را امام خمینی (ره) داشتند و این فرموده ایشان بسیار مشهور است که: «پیش نویس هیچی نیست، علما طرح بدهند. اسلام برای حکومت طرح و برنامه دارد»، زیرا پیش نویس قانون اساسی فاقد هر گونه طرح اسلامی برای حکومت بود و بعدها مسئله گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی مطرح شدو در همین زمان بود که طرح انحلال مجلس خبرگان مطرح شد که با نهیب حضرت امام (ره) طرح مزبور عملی نشد. همچنین، در طرح پیش نویس مزبور سرنوشت جامعه مجمدماً به‌دست رئیس جمهوری سپرده شده بود که ریاست عالی کشور را بر عهده داشت و تنها صفات لازم برای او مسلمان بودن و ایرانی الاصل بودن پیشنهاد شده بود. همین‌طور طرح پیش نویس نسبت به مسائل اقتصادی، مسئله مالکیت اموال نامشروع حاصل از زد و بندهای سیاسی و ده‌ها مسئله دیگر که مردم انتظار حل و فصل آن را داشتند، سخنی به میان نیاورده و آنها را مسکوت گذاشته بود. بدیهی است که وقتی به اصل انتقاد نمایندگان به طرح پیش نویس قانون اساسی اشاره می‌شود، باید پایه‌ها و ریشه‌ها و علل انتقاد نیز، هر چند اجمالی، بیان شود تا هر خواننده‌ای در قضاوت و داوری به اشتباه نیفتد.

۷۶ نقدنامه فقه و حقوق

نمونه ۲: در صفحه ۱۲۹ جلد اول، در مورد مذهب وهابی، با بیان اعتقاد وهابیون مبنی بر بدعت و بت پرستی و شرک بودن زیارت قبور ائمه و پیامبر، مؤلف هیچ گونه اظهار نظری و یا نظر اثباتی در مورد صحت و سقم یا انحرافی بودن مذهب مزبور نمی‌کند، در حالی که طرح این گونه مباحث بدون هیچ گونه موضع گیری، نوشته مزبور را به واقع نگاری صرف نزدیک می‌کند.

نمونه ۳: در صفحه ۲۸ به بعد که از مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (خبرگان قانون اساسی) صحبت شده است، از نهاد مزبور و نقش آن در تدوین اصول قانون اساسی هیچ گونه بحثی به عمل نیامده است؛ در حالی که بحث از نهاد مزبور، که نقش قوه مؤسس را داشته، ضروری و لازم بوده است.

نمونه ۴: در صفحه ۲۹ ج ۱، پیام امام به مجلس خبرگان قانون اساسی آمرانه توصیف شده است و در نتیجه ابتکار عمل خبرگان تحت الشعاع دستور العمل های واجب الرعايه مقام رهبری دانسته شده است.

نمونه ۵: در صفحه های ۵۶ - ۵۵ ج ۱، به ناسازگاری «جمهوری اسلامی»، یعنی جمهوری با وصف «اسلامی» آن اشاره دارد و می‌گوید: «با این ترتیب، وصف «اسلامی» به عنوان ایدئولوژی برگزیده، ظاهراً با منطق «جمهوری» ناسازگار است».

نمونه ۶: از ولایت فقیه ابراز نگرانی شده است. در صفحه ۷۲ ج ۲، آمده است: «اما نگرانی از این نظر مطرح است که در شرایط حاد زمان و تضاد سیاست‌ها و اصطکاک‌هایی که به وجود می‌آید و در توطئه‌های جهانی، که بر ضد اسلام مطرح می‌شود، سپردن هستی و نیستی یک امت به یک نفر دور از احتیاط می‌باشد».

در نهایت اینکه به نظر می‌رسد، علی‌رغم شیوایی کتاب از حیث نگارش و جامعیت مطالب، در پاره‌ای از موارد، به طور صریح به تضعیف و تشکیک در برخی از اصول قانون اساسی، که مورد تأکید جدی امام خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران بودند، پرداخته شده است.

نام کتاب: مقدمه علم حقوق و نظام جمهوری اسلامی ایران

مؤلف: سیدعلی یثربی

ناشر: دفتر نشر نوید اسلام

نوبت و محل چاپ: دوم، قم

سال نشر: ۱۳۷۶

کتاب از لحاظ شکلی، ساده و روان است و برای دانشجوی ترم اول حقوق قابل استفاده است. از حیث رعایت قواعد زبان فارسی در حد مطلوب است. اصطلاحات فقهی و واژه‌های تخصصی حقوقی به طور صحیح به کار رفته است. اما از لحاظ محتوایی و علمی مواردی به نظر می‌رسد که در ذیل ذکر می‌شوند.

بهتر بود نویسنده بعضی از موضوعات مانند مستقلات عقلیه در حقوق امامیه را بهتر تبیین می‌کرد.

جامعیت مطالب خوب است، لیکن نقایصی مشاهده می‌شود؛ از جمله: جایگاه عرف و حقوق بین الملل عمومی (صفحه‌های ۱۰۰ و ۶۰). ترتیب و انسجام منطقی مطالب خوب است ولی از نظر استفاده از منابع مرتبط با موضوع تا حدودی نقص مشاهده می‌شود.

کتاب با سر فصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی مطابقت دارد. ارجاعات متن از حیث صحت و سقم خوب است، لیکن در برخی موارد که در ذیل ذکر می‌شود، ارجاعات صحیح به نظر نمی‌رسد.

۱- صفحه ۱۵ زیر نویس شماره ۱ و ۲

۷۸ نقدنامه فقه و حقوق

- ۲- صفحه ۱۵ و ۱۶ نقل قول از میرزا فتحعلی آخوند زاده ارتباط منطقی با مطالب قبل و بعد ندارد.
- ۳- صفحه ۲۴ گفته‌های ساوینی و ایرینگ آلمانی مأخذ ندارد و معلوم نیست از کجا نقل شده است.
- ۴- صفحه ۳۴ ذکر قسمتی از پیام امام راحل منبع ندارد. به طور کلی باید گفت، چنانچه مؤلف از نظر اصول و روش ویراستاری و رعایت دستورالعمل نحوه ارجاعات و ذکر منابع، کتاب را اصلاح نمایند، برای تدریس مناسب خواهد بود.
- کتاب بر اساس روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است. شیوه برخورد با مبانی اسلامی و بیان آنها نیز بسیار مناسب است.

نام کتاب: حقوق اساسی
مؤلف: منوچهر طباطبایی موتمنی
ناشر: میزان
نوبت و محل چاپ: اول، تهران
سال نشر: ۱۳۸۰

کتاب حقوق اساسی در نوع خود کتاب جدید و نوآوری نمی‌باشد، لذا آن را در ردیف سایر کتب حقوق اساسی که صرفاً به کلیات پرداخته است، قلمداد و ارزیابی نمود. با توجه به نمونه‌های مشابه، بهتر آن بود که مؤلف در جهت تبیین مطالب مورد نیاز روز و مباحث دقیق‌تر حقوق اساسی مصروف می‌نمودند.

در هر صورت، کتاب مزبور هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوا اشکالات بسیاری دارد که به شرح ذیل می‌باشند:

نکته اول آنکه مؤلف در موارد بسیاری منابع مورد استفاده را ذکر نکرده است که در برخی موارد، به دلیل ماهیت آماری موضوع، نمی‌توان گفت که استنباط شخصی و یا نظریه علمی ایشان بوده است. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

صفحه ۲۲ پاراگراف دوم، صفحه ۲۶ پاراگراف دوم و آخر، صفحه ۵۷ پاراگراف دوم، صفحه ۵۸ پاراگراف دوم، صفحه ۶۴ پاراگراف سوم.

نکته دوم، اغلاط فراوان حروف نگاری و انشایی است که موجب شده فهم خواننده از مطلب دچار اختلال شود. برخی از آنها به شرح ذیل است:

صفحه ۲۱ پاراگراف دوم، بند ۱: واژه‌های «که» و «بیان» اضافه است و بهتر است حذف شوند.

۸۰ نقدنامه فقه و حقوق

صفحه ۲۹ پاراگراف سوم، بند ۲: عبارت اطریش - هنگری باید به اطریش - مجارستان مبدل شود.

نکته سوم استفاده غلط از روش‌های نقطه گذاری و علامت گذاری فارسی است که در بسیاری از موارد نبود نقطه موجب اتصال جملات به یکدیگر شده و اختلال در فهم موضوع را به دنبال دارد. همچنین عدم کاربرد صحیح ویرگول در مکان‌های لازم این اختلال را تشدید می‌نماید. متأسفانه به علت کثرت این نوع اشکالات نمی‌توان به آنها اشاره نمود، اما، در مجموع، باید گفت که کتاب نیاز به ویرایش ادبی و فنی دارد تا بتواند به علاقه مندان حقوق اساسی ارائه شود.

نکته چهارم آنکه کاربرد غلط و شیوه‌های قدیمی ارجاعات (رفرنس) و یا پاورقی‌ها از اشکالات شکلی این کتاب بوده است که به وفور به چشم می‌خورد. مانند: صفحه ۳۶ پاورقی ۱، صفحه ۷۶ پاورقی ۱، صفحه ۷۷ پاورقی ۱، صفحه ۸۵ پاورقی ۱، صفحه ۲۵۰ و ۲۵۱ پاورقی‌های ۳ و ۴.

لازم به تذکر است که همین اشکال، یعنی عدم ارائه مشخصات کامل کتاب در کتابنامه نیز تکرار شده است.

سرانجام آنکه کتاب بدون اخذ هر گونه نتیجه‌ای به پایان می‌رسد و خواننده همچنان متحیر است که حاصل ۳۱۶ صفحه اطلاعات ارائه شده از منظر نویسنده چه بوده و نظر ایشان را باید در کجا جستجو نماید!

به نظر می‌رسد که نویسنده تحلیل جامعی را از موضوعات مطروحه در کتاب نداشته و صرفاً در مقام بیان مطالبی است که قبلاً از دیگران نیز شنیده و در کتب دیگران به تفصیل بیان شده است. شاهد این موضوع نیز ابهامات فراوانی است که در کتاب مشاهده می‌شود و خواننده پاسخ لازم را دریافت نمی‌کند.

در صفحه ۱۴، نویسنده اظهار داشته است: «... و اجرا نکردن اصول و قواعد آن همراه با بازتاب اجتماعی و افکار عمومی است.» به نظر می‌رسد در حقوق اساسی ضمانت اجرای حقوقی نیز بسیار کاربرد دارد و صرف افکار عمومی نمی‌تواند آن را حقوقی کند، چرا که علوم سیاسی نیز به همین راهکار متوسل می‌شود.

در صفحه ۳۶، نوشته شده است: «امروزه جامعه بین‌المللی (سازمان ملل متحد) تلاش می‌کند...»

حقوق اساسی ۸۱

به نظر می‌رسد که نویسندگان سازمان ملل را جامعه بین‌المللی قلمداد کرده است که از دید حقوقی صحیح نمی‌باشد، چرا که سازمان ملل متحد خود جزیی از جامعه کلان بین‌المللی می‌باشد.

صفحه ۶۱ نوشته شده است: «... زیرا، اگر قدرت را ناشی از خداوند بدانیم، فرمانروایی حق آنهایی خواهد بود که در نظر مردم از چنین اعتباری برخوردارند و به عکس، اگر قدرت را ناشی از مردم بدانیم، فرمانروایی حق مسلم و مشروع افرادی خواهد بود که از راه انتخابات آزاد و صادق برگزیده می‌شوند.» سؤال این است که اگر قدرت را مختص خداوند بدانیم آیا نمی‌توان از راه انتخابات افرادی را برگزید که هم مشروعیت الهی داشته باشند و هم مقبولیت مردمی؟ نویسندگان ظاهراً جمع این دو را ناممکن فرض نموده است که این امر ایراد دارد.

صفحه ۶۳: بدون ارائه تحلیلی کامل به نقل مطالب دیگران اشاره داشته و نظریه مشیت الهی و دموکراسی را به درستی تبیین ننموده است.

صفحه‌های ۹۵ و ۹۶: در حالی که در صفحه ۹۵ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را از نوع غیر مستقیم می‌داند، در صفحه ۹۶ این انتخابات را از نوع مستقیم ذکر می‌کند! ص ۱۵۰: نویسندگان بدون هیچ‌گونه توضیحی به نظارت استصوابی حمله نموده و آن را مغایر با حق انتخاب مردم و دموکراسی می‌داند. در حالی که ایشان ظاهراً از مبانی این نوع نظارت اطلاعی نداشته است، چرا که در تمام کشورها مراجع نظارتی اختیارات مشابهی دارند. از این جهت، لازم است ایشان به تفصیل به این نکته پرداخته و استدلال‌های خود را مطرح نمایند تا با زبان علمی بتوان پاسخی به آن داد. این در حالی است که نویسندگان در همین صفحه، رسیدگی نهایی به اعتبارنامه‌های نمایندگان را در صلاحیت خود مجلس می‌داند و آن را مغایر با دموکراسی نمی‌خواند.

با توجه به اشکالات متعدد حروف نگاری، املائی، انشایی و نیز ابهامات متعدد در محتوا، ارزش علمی کتاب مورد تردید جدی است؛ به‌مخصوص آنکه کتب مشابه فارسی در این زمینه به اندازه کافی و مفصل‌تر موجود می‌باشد.

نام کتاب: گفتارهایی در حقوق عمومی
مؤلف: ابوالفضل قاضی شریعت پناهی
ناشر: دادگستر
نوبت و محل چاپ: اول، تهران
سال نشر: ۱۳۷۵

کتاب حاضر می‌تواند برای پژوهشگران حقوق عمومی و علوم سیاسی مناسب باشد. با وجود این، نگرش غربی به حقوق عمومی و مبانی اسلامی به دلیل نحوه جمع بندی از مجموعه مقالات، ناخواسته رویکردی غرب باورانه به کتاب داده است که از نقاط ضعف آن به شمار می‌رود. در مجموع، این کتاب را می‌توان به عنوان منبعی تکمیلی در مقطع کارشناسی ارشد استفاده کرد.

نام کتاب: حقوق تطبیقی
مؤلف: محمدرضا بارگاهی
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
نوبت و محل چاپ: اول، تهران
سال نشر: ۱۳۷۶

نقطه قوت خاصی در کتاب مشاهده نمی‌شود. نقاط ضعف اصلی کتاب به شرح زیر می‌باشند:

- الف) عدم ارتباط مطالب بعضی از فصول با عناوین فصل
 - ب) عدم ذکر مآخذ در بسیاری موارد
 - ج) عدم تطبیق با سر فصل‌های شورای عالی برنامه ریزی
 - د) بیان ناقص مسائل و مباحث تخصصی
 - ه) عدم ارتباط مطالب با موضوعات مصوب و مورد نیاز دانشجوی حقوق در درس حقوق تطبیقی
- در نهایت اینکه این کتاب به طور کلی برای تدریس در رشته حقوق و درس حقوق و یا منبع علمی یا متن کمک آموزشی مناسب نیست و مفید بودن کتاب منوط به اصلاحات بسیار عمیق شکلی و ماهوی است.

نام کتاب: حقوق محیط زیست در ایران

مؤلف: تقی زاده انصاری

ناشر: سمت

نوبت و محل چاپ: اول، تهران

سال نشر: ۱۳۷۴

نقاط قوت کتاب

الف) بحث و ارائه پیشنهاد در مورد نحوه و ضرورت تبیین مقررات موضوع مورد بحث در «قوانین جمهوری اسلامی ایران».

ب) فهرست کتاب تا حدودی کامل است و مطالب برای دانشجویان مناسب است و زمینه‌ای برای تحقیق بیشتر می‌باشد.

ج) ذکر منابع قانونی در کشور برای دستیابی دانشجویان به این منابع با وجود این، از دقت کافی برخوردار نیست. در بخش بین المللی (محیط زیست) به نظر می‌رسد عمده آن ترجمه‌ای ناقص و نارسا از منابع خارجی است. به علاوه، کتاب احتیاج به ویرایش و بازنگری دارد و منابع و مأخذ اصلی به طور کامل ذکر نشده است.

همچنین برخی سر فصل‌ها کاملاً بررسی نشده است. کتاب در صورت بازنگری و اصلاح می‌تواند استفاده شود.

فقہ

نام کتاب: قواعد فقه
مؤلف: ابوالحسن محمدی
ناشر: نشر یلدا
نوبت و محل چاپ: دوم، تهران
سال نشر: ۱۳۷۴

از نظر شکلی:

- ۱- در آیین نگارش جدید، کلمات در حد امکان جدا نوشته می‌شوند. موارد زیادی در این کتاب بر عدم رعایت این نکته وجود دارد. مثلاً، صفحه‌های ۳۰، س ۱۳
- ۲- غلط‌های املائی نیز در کتاب مزبور یافت می‌شود، مثل:
ص ۳۱۴، س ۸ - ص ۳۱۴، س ۹ - ص ۳۲۰، س ۱۸ - ص ۳۲۲، س ۵ - ص ۳۱۷، س ۲ - ص ۳۷، س ۸ - ص ۳۷، س ۱۰.
- ۳- اشکال فراگیر دیگری که تقریباً در تمام صفحه‌های کتاب دیده می‌شود، در ترجمه عربی به فارسی، جملات با همان قالب عربی ترجمه شده است و نگارش و ویرایش فارسیرعایت نشده است؛ لذا باعث ناهماهنگی و نارسایی زیادی شده است.
برای مثال:
«صور مسئله از این جهت چهار است»، «شرایع و مسالک شرح آن»، «عقلاً عمل استناد داده می‌شود به مباشر، هم کننده چاه و هم افکننده».
- ۴- در زیرنویس‌ها اشکالاتی وجود دارد. مثلاً، صفحه ۳۱۱ قسمت ج: آقای سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، چاپ؟ صفحه؟ تصحیح: چ اول، بهار ۷۴، ص ۱۹۱.

صفحه ۲۳۰، ارجاع اشتباه داده شده است: بجنوردی، ج ۳، ص ۳۳ که درست آن چنین است: بجنوردی، ج ۲ ص ۴۰.

از لحاظ محتوایی:

از آنجا که نویسنده به دنبال ساده کردن مطالب علمی برای دانشجویان است گاهی در این مسیر تا جایی پیش رفته که مطلب از بُعد علمی و رسایی خود فاصله گرفته است. غافل از اینکه، تاحدی در ساده بیان کردن مطالب تا حدی مختاریم. دانشجویی که می‌خواهد علوم اسلامی را بفهمد، به ناچار باید ادبیات عرب، فلسفه و منطق بداند و با اصطلاحاتی مثل «صغری و کبری» آشنا باشد؛ نه اینکه به خاطر فرار از این اصطلاحات، نویسنده مجبور شود راه دوری را طی نماید و آخر هم به نتیجه مطلوب نرسد. برای نمونه، صفحه ۱۲، س ۲۳ «از آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت: - در فاصله میان دو علم فقه و اصول فقه - قرار دارند و با هر دو متفاوت هستند. مسئله اصولی جنبه علمی و تئوری دارد و تا به مرحله عمل رسیدن فاصله دارد. مسئله فقهی درست در حکم مرحله عمل و کاری است که کسی انجام داده و یا می‌خواهد انجام دهد و قاعده فقهی حکم کلی مرحله عمل و کار مردم است که با یک فاصله به مرحله اجرا می‌رسد.»

مؤلف در این چند سطر و ۷ سطر قبل از آن، کوشیده است که به زبان دانشجو سخن بگوید و از به کار بردن اصطلاحات صغری و کبری در قیاس، از مسئله اصولی دوری نماید. صرف نظر از تأملی که در این مطلب کرده‌اند و مثالی که زده‌اند، همین مطلب را از زبان یکی دیگر از اساتید نقل می‌کنیم:

«مسائل اصول فقه، قواعدی است که در طریق استنباط احکام شرعی کبرای قیاس واقع می‌شوند؛ یعنی، اولاً، این مسائل برخلاف قواعد و مسائل فقهی که خودشان احکام شرع هستند، حکم شرعی محسوب نمی‌شوند بلکه در طریق استنباط احکام شرعی استفاده قرار می‌شوند، ثانیاً، در قیاسی که برای استنباط احکام شرعی تشکیل می‌شود کبری واقع می‌شوند، به عکس قواعد ادبی یا رجالی همیشه صغرای قیاس‌اند. مثال: اوفوا بالعقود در لزوم ظهور دارد (صغری) - اوفوا بالعقود در لزوم حجت است.

هر ظهوری حجت است (کبری).

[فوائد فقه، محقق داماد، نشر سمت، ۱۳۷۴: ص ۲۶]

به نظر می‌رسد که بیان دوم در مقام مقایسه بسیار رساتر از بیان اول باشد.

قواعد فقه ۸۹

۲- در صفحه ۳۱۱ کتاب، صحبت از قاعده «کل عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده ...»

ایشان این قاعده را با دو عبارت نقل می‌کند:

۱- کل ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده...

۲- کل عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده ...

عبارت اول را به خاطر (ماء موصوله) مطلق گرفته‌اند که شامل عقد و ایقاع هر دو می‌شود، ولی عبارت دوم (کل عقد) را صریح در عقد گرفته‌اند و افزوده‌اند که کلمه عقد قید احترازی نیست و مفهوم ندارد و ملاک قاعده، ایقاع را نیز در بر می‌گیرد. سپس افزوده‌اند که: به اختصار تفاوت معنای دو عبارت در مقدار شمول و فراگیری آن است. به مطلب مذکور می‌توان اشکال گرفت که: اولاً، اگر قید عقد (کل عقد یضمن...) قید احترازی نیست و به قول ایشان مفهوم ندارد، پس این عبارت با ادامه مطلب که گفته‌اند: «به اختصار تفاوت معنای دو عبارت در مقدار و شمول و فراگیری آن است» سازگار نیست، زیرا وقتی ماء موصوله شامل عقود و ایقاعات هر دو شد، دیگر نیازی به این تفاوت نیست.

۳- آنچه که ایشان با نظر قاطع بیان کرده‌اند تقریباً مخالف نظر اکثریت اهل فن است؛ یعنی، بعضی با نظر قاطع ماء موصول را فقط بیان از عقود گرفته‌اند و دلیل آورده‌اند که «ایقاع ضمان آور نیست؛ به‌خصوص در عقود تملیکی» و چون صلۀ این موصول (ماء) صحبت از ضمان دارد؛ معلوم می‌شود که مراد از موصول نیز صرفاً عقود است و نه ایقاعات [محقق داماد - قواعده فقه: ۱۹۲].

در مرجع مذکور ضمناً آمده است که مرحوم نائینی در منبیه الطالب، صفحه ۱۱۹، خلاف این نظر را آورده‌اند؛ یعنی، ماء موصول را اعم از عقود و ایقاعات گرفته‌اند. روح تحقیق حکم می‌کند که در این گونه مواقع به نظر مخالف هم اشاره‌ای شود و بعد اظهار نظر شود.

۴- صفحه‌های ۳۸-۳۷ کتاب:

«آنگاه فقیه نامبرده (مرحوم بجنوردی) اشاره می‌کند که روایت سکونی از نظر سند ضعیف است.»

باید به این نکته اشاره شود که مرحوم بجنوردی در (القواعد الفقیهیه، ج ۲: ۲۹) به ضعیف بودن روایت تصریحی ندارند بلکه فرموده‌اند: «اللهم الا ان یقال» که مقصود از

۹۰ نقدنامه فقه و حقوق

سکونی در سند روایت، اسماعیل بن ابی زیاد می‌باشد، نه اسماعیل بن مهران که اگر اسماعیل بن ابی زیاد مراد باشد، آنگاه روایت غیر موثقه خواهد بود. بنابراین ایشان بعد از استناد به روایت به شیوه فقها، احتمال خدشه در روایت را داده‌اند که اگر مراد از سکونی، اسماعیل بن ابی زیاد باشد، اشکال به سند روایت وارد است.

۵- صفحه‌های ۱۲۳ و ۱۲۴: ایشان به نظر قاطع گفته‌اند که منافع مستقلاً قابل اخذ نیست، در حالی که آیت الله مکارم در *قواعد الفقہیہ*، ج ۲: ۲۴۰ آورده‌اند:

«توهم این که در علی الید ما اخذت حتی تودیه شامل منفعت نشود، باطل است. زیرا اداء منافع به تبع اداء عین است و منافع مستوفاه هم شامل اموال می‌شود و در سیره عقلائیة، فرقی بین عین و منفعت نمی‌نهند؛ بلکه بنابر قول مشهور، منافع غیر مستوفاه همه شامل مضمون واقع می‌شوند». شایسته بود که اشاره‌ای به قول مخالف می‌کردند. به خصوص که از قواعد فقه آقای مکارم استفاده فراوان کرده‌اند.

نقاط قوت:

۱- از حیث شکلی مناسب است.

۲- از حیث محتوایی جامع و مفید است.

نام کتاب: قواعد فقه بخش مدنی (۲)

مؤلف: محقق داماد

ناشر: سمت

نوبت و محل چاپ: اول، قم

سال نشر: ۱۳۷۴

با توجه به اینکه متون اصلی و مهم این درس معمولاً به زبان عربی است، لذا به نسبت، متن از سادگی برخوردار است. به نظر می‌رسد کتاب برای مقطع کارشناسی ارشد در نظر گرفته شده است.

کتاب از نظر رعایت قواعد زبان فارسی در مجموع خوب است، اما از نظر علامت‌گذاری و نقطه‌گذاری اشکالاتی دارد که باید دقیقاً ویراستاری ملاحظه شود. اغلاط چاپی نیز در متن مشاهده می‌شود. اصطلاحات و واژه‌های تخصصی باید به‌طور صحیح به کار رفته‌اند ولی در برخی از موارد استعمال بعضی از واژه‌های حقوقی، به‌خصوص حقوق خارجی، تا حدی کامل نیست.

متن کتاب بر اساس مبانی و منابع فقه امامیه نگاشته شده است و نگارنده تقریباً مباحث مورد نظر را به صورت تطبیقی با فقه عامه و حقوق جدید مورد بحث قرار داده و روش مرسوم در کتب فقهی و قواعد فقه رعایت شده است. از برخی آراء فقهی فقهای معاصر استفاده شده و در مباحث حقوقی نیز بعضی از آراء دادگاه‌ها مورد استناد بوده است. سئوالات و افق‌های جدیدی در متن مطرح شده است؛ به خصوص در بحث‌های تطبیقی فقهی - حقوقی، مسائل جدید در فصول مختلف بررسی شده است. همچنین اشاره به

۹۲ نقدنامه فقه و حقوق

بعضی از موضوعات مورد اختلاف در آرای قضایی (قاعدهٔ تحذیر) مفید می‌باشد. خلاصهٔ اشکالات کتاب از قرار زیر است:

صفحهٔ ۱: در پاورقی (۱)، Legal صحیح است.

صفحه‌های ۷-۹-۱۱ ضروری است: بندهای شماره (۱) از نظر شکلی با بندهای دیگر هماهنگ شود. به نقطه گذاری‌ها و علامت‌ها نیز توجه بیشتر شود.

صفحهٔ ۲۰: فصل را باید از صفحه فرد شروع کرد.

صفحه‌های ۲۱ و ۱۴۵: فقهی صحیح است نه فقاهتی.

صفحهٔ ۲۱: در پاورقی (۲)، بقره - ۱۲۷ صحیح است.

صفحهٔ ۲۲: بهتر است به جای «فرمولی» کلمه فارسی به کار رود.

صفحهٔ ۴۱: در سطر ۲، «استحقاق» درست است.

صفحهٔ ۵۳: رد استدلال مبنی بر عدم فساد عقد در شرط مجهول صحیح نیست، زیرا در خصوص رد استدلال مربوط به حق فسخ مطرح شده است نه بطلان.

صفحه‌های ۷۹-۸۰: در برخی از موارد مشخص نشده است که نظر صحیح و مناسب کدام است، برای مثال، در مورد رخصت یا عسر و حرج.

صفحهٔ ۸۲: در سطر آخر، حرج درست است نه جرح.

صفحهٔ ۸۸: باید توجه داشت که بین دو نظریه تغییر اوضاع و احوال (Change of Circumstances) و دشواری اجرای قرارداد (Hardship) تفاوت وجود دارد و در تعبیر خلط شده است.

صفحه‌های ۸۸-۹۰: هیچ منبعی ذکر نشده است.

صفحهٔ ۹۰: در سطر ۱۴، اوضاع و احوال صحیح است.

صفحهٔ ۹۲: لزوماً فورس ماژور موجب خاتمهٔ رابطه قراردادی نیست، مانند فورس ماژور موقت.

صفحه‌های ۱۰۶ - ۱۰۷: رابطه مالکیت، رابطه اعتباری است نه انتزاعی و بین این دو تعبیر خلط شده است.

صفحهٔ ۱۰۷: استدلال «... حال فرض کنید کتابی متعلق به شماست ...» مصادره به مطلوب است.

صفحهٔ ۱۱۴: در سطر ۱۰ «... یا آنکه پرنده‌ای مبیع واقع شود که در هوا باشد و یا آنکه ...»؛ برخی مثال‌ها با تعریف تعذر وفاء به مدلول عقد ناسازگار است. زیرا این قاعده در

قواعد فقه بخش مدنی ۹۳

جایی جریان دارد که عقد به طور صحیح واقع شده و بعد به سببی اجرای آن متعذر می‌شود و مثال‌ها مربوط به مواردی است که عقد از ابتدا به طور صحیح واقع نشده است. در مثال‌های دیگر نیز باید توجه بیشتری شود.

صفحه ۱۱۷: در سطر ۱۱ «... در این معنی عام، بطلان... نیز نخواهد شد»؛ به نظر می‌رسد فعل‌های منفی باید مثبت باشد.

صفحه ۱۱۸: در فقه شیعه و حقوق مدنی ایران، بین باطل و فاسد تفاوتی نیست. این تفاوت در فقه عامه آمده است.

صفحه ۱۱۹، سطر ۱۷: «... خواه این امر ناشی از عدم قدرت بر تسلیم کردن موضوع عقد...» به طور مطلق صحیح نیست، زیرا با علم به عدم قدرت هنگام عقد، امکان انعقاد عقد وجود ندارد نه آنکه از موارد تعذر وفاء باشد.

صفحه ۱۲۰، سطر ۶: «عدم مالیت... خلط شده است. در مورد اینکه عدم مالیت از ابتدا عقد واقع نمی‌شود، باید توضیح داده شود.

صفحه ۱۲۳: «شرایط تعذر اجرای عقد» از چه منبعی نقل شده است.

صفحه ۱۲۵: در پاراگراف دوم، اگر چه مطلب از منبع دیگری نقل شده است ولی تفسیر از ید ضمانی اشکال دارد.

صفحه ۱۲۸: قاعده Frustration اعم از فورس ماژور است. آنچه با قانون مدنی ما مطابقت دارد فورس ماژور است. مواد ۲۲۷ و ۲۲۹، از قانون و حقوق فرانسه اقتباس شده است و Frustration یک تأسیس مربوط به حقوق کامن‌لا است.

صفحه ۱۳۳: در پاورقی‌ها و همچنین فهرست منابع، محمد بن حسن کاشف الغطاء آمده است که ظاهراً محمد حسین آل کاشف الغطاء است.

صفحه ۱۴۱: تکلیف ایرادها مشخص نیست.

صفحه ۲۰۱: در توجیه عکس قاعده، به ظاهر نویسنده عکس قاعده را نپذیرفته و اذن مالک را رافع مسئولیت نمی‌داند، اگر این‌گونه باشد، با سخن قبلی در صفحه ۱۹۷، که قاعده ید به عنوان مستند قاعده «ما یضمن» رد می‌شود، منافات دارد.

صفحه ۲۰۱: اطلاق ماده ۳۳۷ ق.م. نیز باید به ماده ۶۰۱ ضمیمه شود.

صفحه ۲۰۲: بالاخره مشخص نیست که عکس قاعده مورد پذیرش است یا خیر؟ تعدی و تفریط برای متهم معنا ندارد، زیرا مالک است.

نام کتاب: فقه سیاسی ج ۲
مؤلف: عباسعلی عمید زنجانی
ناشر: امیرکبیر
نوبت و محل چاپ: سوم، تهران
سال نشر: ۱۳۷۳

انسجام و تسلسل منطقی مطالب در هر فصل مناسب است و مباحث با رعایت اصول علمی رشته حقوق نوشته شده است.
همچنین، رعایت امانت و دقت در استناد و نقل مطالب از حیث تطابق با مأخذ صورت گرفته و از روش تحقیق متناسب با موضوع استفاده شده است.
سبک نگارش نیز از حیث روانی و رسایی مطلوب است.
با وجود این، متن از جامعیت لازم برخوردار نیست و بسیار از منابع روایی و تاریخی و سیره خیلی کم استفاده شده است.
همچنین برای تفهیم مطلب از ابزارها و فنون لازم استفاده مطلوب نشده است.
در نهایت، برای تدریس کتاب لازم است اصلاحاتی در آن به عمل آید از جمله اینکه:
الف) نتیجه‌گیری خلاصه در آخر فصول
ب) طرح پرسش‌های مناسب
ج) معرفی منابع بیشتر در آخر هر فصل

نام کتاب: فقه سیاسی ج ۳
مؤلف: عباسعلی عمید زنجانی
ناشر: امیرکبیر
نوبت و محل چاپ: اول، تهران
سال نشر: ۱۳۶۷

اگر چه کتاب فوق از جمله معدود کتاب‌هایی است که در این خصوص به رشته تحریر در آمده و از این نظر قابل تقدیر می‌باشد، لیکن از چند جهت قابل تأمل است؛ اول آنکه کتاب بیشتر توصیف تاریخ اسلام بوده و عمدتاً به حوادثی که به نوعی به ارتباط جوامع صدر اسلام با جوامع غیر اسلامی مربوط می‌شود، پرداخته و از تطبیق آن با حقوق بین الملل و رویه‌های جاری کمتر سخن به میان آمده است، در حالی که لازم بود در این قسمت تحلیل بیشتری ارائه می‌شود.

دوم آنکه در تفسیر ایشان از عوامل و عناصر تشکیل دهنده دولت در بخش سرزمین بیشتر به خصوصیات جمعیتی پرداخته شده است تا خصوصیات سرزمینی؛ در حالی که موضوع بحث ویژگی‌های جغرافیایی بوده است. مثلاً، همه آمارها که ایشان بر شمرده‌اند به لحاظ ترکیب جمعیتی است و نه جغرافیایی؛ از این رو، خدشه دار می‌باشد. افزون بر آن- که در بحث حکومت و حاکمیت از دید خارجی و بین المللی نیز سخن خاصی را مطرح ننموده و تنها به ارجاع به کتب دیگران بسنده کرده و بحث ابعاد خارجی و بین المللی نیز مطرح نشده است (صفحه‌های ۱۸۴ به بعد و ۳۴۰).

همچنین، در بسیاری از موارد منبع مورد استفاده ذکر نشده که لازم است توجه و اصلاح شود.

۹۶ نقدنامه فقه و حقوق

همین طور اغلاط حروف نگاری زیادی به چشم می‌خورد که لازم است اصلاح شوند. در پایان، نتیجه روشن و مشخصی به خواننده ارائه نشده است که آیا حقوق اسلام متعرض حقوق بین الملل شده یا خیر و اگر جواب مثبت است، از چه طریق و روشی. البته مؤلف گاهی در جای جای کتاب به این موضوع پرداخته، لیکن نحوه بیان بیشتر آرمان-گرایانه است تا واقع‌گرایانه.

خلاصه ایرادهای کتاب:

(۱) صفحه ۳۲، سطر ۱۱: امروزه می‌توان از مواردی که حتی تکرار نیز نشده است ولی موجب ایجاد عرف در حقوق بین الملل شده است نام برد. مانند پرتاب اولین فضا پیمای به فضا و اصل آزادی فضای ماوراء جو، به اضافه آنکه در حقوق بین الملل بیشتر عملکرد دولت‌ها شرط است تا عمل افراد حقیقی.

(۲) صفحه ۳۲، سطر ۲۰: بعد از عبارت «قاعده حقوقی» لازم است لفظ «عرفی» نیز اضافه شود.

(۳) صفحه ۳۳، سطر ۷: صدور ذیل منطوق عبارت در این قسمت همخوانی ندارند و موجب برداشت مفهوم دیگری می‌شود.

(۴) صفحه ۳۴، سطر ۶: چنانچه تعریف مؤلف را در خصوص عرف در صفحه ۳۲ بپذیریم، دیگر موجبی برای تردید در پذیرش قواعد مشخص عرفی نمی‌باشد و نباید آنرا ناقص اصل عدالت و برابری و استقلال بدانیم.

(۵) صفحه ۳۹، سطر ۶ مؤلف در تفسیر سه روش نظامی، سیاسی و حقوقی، قسم اخیر را بهترین شکل موجود برای روابط بین الملل قلمداد نموده، لیکن در تبیین آن از ارائه دلایل کافی خودداری ورزیده است. افزون بر آن، نظرات ایشان در یک جامعه آرمانی قابل تحقق است و نه در جوامع فعلی بین المللی.

(۶) صفحه ۴۱، سطر ۱: به نظر می‌رسد که حداقل، عرف بین المللی نیازمند توافق دولت‌ها نمی‌باشد و یا حتی نظرات علما و رویه قضائی بین المللی نیز چنین است، ولو آنکه برخی دولت‌ها با آن مخالف باشند.

(۷) صفحه ۴۱، سطر ۱۶: دیوان دادگستری بر اساس مواد ۳۵ و ۳۶ از اساسنامه زیر شرایط خاصی برای دولتی که اساسنامه را نپذیرفته‌اند صالح به رسیدگی می‌باشد.

فقه سیاسی ۹۷

- ۸) صفحه‌های ۴۰ - ۴۳: به نظر می‌رسد که مطالب برگرفته از گزارش‌ها می‌باشد و لازم است منابع به‌طور مشخص ذکر شود.
- ۹) صفحه ۴۴، سطر ۲۲ به بعد: عبارت ظاهراً مطالب متضادی را در بر دارد.
- ۱۰) صفحه‌های ۵۰ تا ۵۳: به نظر می‌رسد که مفهوم نظام بین الملل با نظام حقوق بین الملل خلط شده که لازم است این دو از هم تفکیک شوند.
- ۱۱) صفحه ۵۱، بند ۳: تفسیر ایشان از بند ۲ ماده اول منشور، به نظر عجیب می‌رسد، چرا که استنباط مطرح شده مطابق با مفاد این بند نیست.
- ۱۲) صفحه ۵۸، سطر ۱۰ به بعد: لازم بود ایشان منبع مورد استفاده را نیز ذکر می‌کردند، چرا که نظریه وحدت سیاسی اروپا با تشکیل جامعه اقتصادی اروپا خلط شده است. تا سال ۱۹۹۲ رسماً هیچ گامی برای وحدت سیاسی اروپا برداشته نشد.
- ۱۳) صفحه ۲۰۲، سطر ۱۲ به بعد: به نظر می‌رسد ترجمه ارائه شده از آیه ۲۱۳ سوره بقره مبهم است، چرا که اختلاف را اختصاص به کسانی دانسته است که پیامبر و کتاب الهی دارند.
- ۱۴) صفحه ۳۴۳ به بعد: ایشان با انتقاد از تعریف ارائه شده در خصوص شناسایی دولت‌ها پیشنهاد نموده است که آن را تغییر دهند و اشاره به شناسایی رژیم اشغالگر قدس نموده‌اند. به نظر می‌رسد که مؤلف موضوع قاعده و اجرای آن را خلط کرده‌اند، چرا که بیان مندرج در سند ۱۹۳۶ صرفاً تعریف شناسایی است و در خصوص اجرای آن مطلبی را در بر ندارد.
- ۱۵) صفحه‌های ۳۴۹ و ۳۶۰: کاربرد «دو فاکتور» به مفهوم ناقص و «دوروزه» به مفهوم کامل جای تأمل دارد. بیشتر به مفهوم غیر رسمی و رسمی مد نظر می‌باشد.
- ۱۶) صفحه ۳۶۳: ارائه و تقسیم شناسایی به چهار بخش قابل تأمل است، چرا که موارد (ج) و (د) در بند ب نیز ذکر شده است.
- ۱۷) صفحه ۳۷۰. در مفهوم صلح به نظر می‌رسد که از مفهوم سازمان و غیر آن، یک برداشت واحد صورت گرفته است. لیکن چون در اجرا تفسیرهای مختلف می‌شود، لذا نمی‌توان بیش از یک بُعد برای آن در نظر گرفت.
- ۱۸) صفحه ۴۱۱، بند ۲: ایشان ایراد گرفته‌اند که چرا تجاوز در شکل‌های دیگر آن، مانند: اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی مطرح نشده است، لیکن هیچ توصیفی از این نوع تجاوزات مطرح نموده‌اند و مجدداً در صفحه ۴۱۲ به تجاوز اقتصادی اشاره کرده‌اند.

۹۸ نقدنامه فقه و حقوق

۱۹) صفحه ۲۵: کاربرد عبارت «اعمال خشونت بار توسط ایران» به مصلحت نمی‌باشد.
۲۰) صفحه ۴۷۰: سطر ۱ به بعد: ایشان بیان داشته که کاربرد روش‌های مسالمت آمیز همیشه به نفع دول قوی می‌باشد. به نظر می‌رسد این برداشت از جنبه نظری صحیح نمی‌باشد، چرا که اجرای این برداشت ممکن است به نتایج مورد نظر دول فوق بیانجامد ولی در بحث نظری چنین حکم کلی را نمی‌توان صادر نمود.
۲۱) صفحه ۴۷۶: در بیان انواع مداخله موارد ۶، ۸، ۵ و ۱۰ خارج از رویه‌های جاری در حقوق بین الملل می‌باشد و همچنین موارد ۱۶، ۱۷، ۶ نیز مشابه هم می‌باشند.
۲۲) صفحه ۴۹۷: ارزیابی ایشان از عرف قابل تأمل است.
۲۳) صفحه‌های ۵۰۸ - ۵۰۹: در خصوص صلاحیت انعقاد پیمان‌های سیاسی ایشان بیان داشته است که در حقوق اسلامی برخلاف حقوق بین الملل این صلاحیت به افراد نیز اعطاء شده، برای مثال، قرارداد ذمه و یا استیمنان را مثال می‌زنند، در حالی که در این دو نوع قرارداد ابعاد داخلی مطرح است و نه بین المللی که در حقوق بین الملل نیز این امور به اختیار دول محلی واگذار شده است و به نظر می‌رسد که قیاس مع الفارق است.

فهرست اغلاط

ص ۱۸، س ۵؛ ص ۱۹، س ۲؛ ص ۱۹، س ۱۳؛ ص ۳۷، س ۲۵؛ ص ۳۹، س ۳؛
ص ۴۰، س ۶؛ ص ۵۶، س ۲۰؛ ص ۵۶، س ۲۵؛ ص ۶۳، س ۴؛ ص ۸۵، س ۱۶؛ ص
۹۶، س ۱۶؛ ص ۹۹، س ۱؛ ص ۱۱۲، س ۱۷؛ ص ۱۳۳، س ۵۱؛ ص ۱۴۷، س ۹؛ ص
۱۴۹، س ۲۰؛ ص ۱۵۰، س ۶؛ ص ۱۶۴، س ۸؛ ص ۱۶۴، س ۱۷؛ ص ۱۶۵، س ۶؛ ص
۱۷۳، س ۲؛ ص ۱۷۸، س ۱؛ ص ۱۸۴، س ۱۳؛ ص ۲۱۶، س ۲؛ ص ۲۲۴، س ۷؛ ص
۲۴۴، س ۷؛ ص ۲۵۹، س ۸؛ ص ۲۵۹، س ۲۱؛ ص ۲۸۱، س ۱۵؛ ص ۲۹۲، س ۱۶؛ ص
۳۱۱، س ۱۷؛ ص ۳۱۶، س ۷؛ ص ۳۲۷، س ۲۱؛ ص ۳۳۴، س ۲۱؛ ص ۳۴۰، س ۱۶؛
ص ۳۴۳، س ۲۳؛ ص ۳۶۰، س ۱۴؛ ص ۳۷۷، س ۲۱؛ ص ۳۸۰، س ۲؛ ص ۳۸۱، س
۱۳؛ ص ۴۰۶، س ۱۴؛ ص ۴۰۶، س ۲۴؛ ص ۴۰۶، س ۲۷؛ ص ۴۴۳، س ۱۰؛ ص ۴۶۵،
س ۲۰؛ ص ۴۹۴، سطر ماقبل آخر؛ ص ۴۹۴، س ۱۲؛ ص ۵۱۶، س ۱۸؛ ص ۵۲۵، س
۱۶.

نام کتاب: قواعد فقه مدنی
مؤلف: اسداله لطفی
ناشر: سمت
نوبت و محل چاپ: اول، تهران
سال نشر: ۱۳۸۱

کتاب از حیث رسایی و روانی مطلوب است و حجم آن با تعداد واحد درسی تناسب دارد.

مطالب آن از جامعیت برخوردار است و از ابزارهای عملی استفاده مطلوب شده است. در عین حال، نقایصی در پاورقی‌ها وجود دارد و استنادات کلی و غیردقیق است و برخی نظرات متعارض در آن به چشم می‌خورد. کتاب در صورت اصلاح برخی موارد شکلی و نیز ارجاع دقیق مطالب و ذکر منابع، برای مقطع کارشناسی مطلوب است.

فهرست منابع

- ۱- نصیری، محمد؛ *حقوق بین الملل خصوصی*، آگاه، سوم، تهران، ۱۳۷۵
- ۲- شمس، عبدالله؛ *آیین دادرسی مدنی ج اول*، میزان، اول، تهران، ۱۳۸۰
- ۳- مدنی، جلال الدین؛ *کلیات و مبانی علم حقوق*، پایدار، ششم، تهران، ۱۳۸۱
- ۴- کاتوزیان، ناصر؛ *دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)*، یلدار، دوم، تهران، ۱۳۷۴
- ۵- صفایی، سیدحسین؛ *حقوق مدنی ج ۱*، میزان، اول، تهران، ۱۳۷۹
- ۶- صدرزاده افشار؛ *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، قلم، سوم، قم، ۱۳۷۴
- ۷- کاتوزیان، ناصر؛ *حقوق مدنی (عقود تملیکی، معاملات معوض)*، شرکت انتشار، ششم، تهران، ۱۳۷۴
- ۸- اسکینی، ربیعا؛ *حقوق تجارت (جلد اول)*، مهر، دوم، قم، ۱۳۷۷
- ۹- شهیدی، مهدی؛ *اورث*، سمت، اول، تهران، ۱۳۷۴
- ۱۰- صفایی، حسین؛ و امامی، اسداله؛ *مختصر حقوق خانواده*، دادگستر، دوم، تهران، ۱۳۷۸
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر؛ *حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد*، دانشگاه تهران، اول، تهران، ۱۳۷۴
- ۱۲- اسکینی، ربیعا؛ *مباحثی از حقوق تجارت بین الملل*، نشر دانش امروز، اول، تهران، ۱۳۷۱

۱۰۲ نقدنامه فقه و حقوق

- ۱۳- تفرشی، محمدعبسی؛ *مباحث تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری*، دانشگاه تربیت مدرس، اول، تهران، ۱۳۷۸
- ۱۴- عبادی، محمد علی؛ *حقوق تجارت*، گنج دانش، اول، تهران، ۱۳۷۵
- ۱۵- مردانی، نادر؛ و بهشتی، محمد جواد؛ *آیین دادرسی مدنی ج ۱*، میزان، دوم، تهران، ۱۳۸۱
- ۱۶- ولیدی، محمد صالح؛ *حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال*، امیرکبیر، دوم، تهران، ۱۳۶۹
- ۱۷- میرمحمد صادقی، حسین؛ *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)*، میزان، سوم، تهران، ۱۳۷۶
- ۱۸- گلدوزیان، ایرج؛ *حقوق جزای اختصاصی*، مؤسسه انتشاراتی جهاد دانشگاهی، پنجم، تهران، ۱۳۷۵
- ۱۹- شامبیاتی، هوشنگ؛ *حقوق جزای عمومی (جلد ۱ و ۲)*، ویستار، پنجم، تهران، ۱۳۷۴
- ۲۰- پیمانی، ضیاءالدین؛ *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، میزان، اول، تهران، ۱۳۷۴
- ۲۱- گلدوزیان، ایرج؛ *حقوق جزای عمومی ایران*، جلد ۱، دانشگاه تهران، اول، تهران، ۱۳۷۳
- ۲۲- صانعی، پرویز؛ *حقوق جزای عمومی ج ۲*، گنج دانش، اول، تهران، ۱۳۷۲
- ۲۳- هاشمی، سیدمحمد؛ *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول)*، دانشگاه شهید بهشتی، اول، تهران، ۱۳۷۴
- ۲۴- هاشمی، سیدمحمد؛ *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد دوم)*، مجتمع آموزش عالی قم، اول، قم، ۱۳۷۵

فهرست منابع ۱۰۳

- ۲۵- یثربی، سیدعلی؛ *مقدمه علم حقوق و نظام جمهوری اسلامی ایران*، دفتر نشر نوید اسلام، دوم، قم، ۱۳۷۶
- ۲۶- طباطبایی مومتمنی، منوچهر؛ *حقوق اساسی*، میزان، اول، تهران، ۱۳۸۰
- ۲۷- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل؛ *گفتارهایی در حقوق عمومی*، دادگستر، اول، تهران، ۱۳۷۵
- ۲۸- بارگاهی، محمدرضا؛ *حقوق تطبیقی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، اول، تهران، ۱۳۷۶
- ۲۹- تقی‌زاده انصاری، *حقوق محیط زیست در ایران*، سمت، اول، تهران، ۱۳۷۴
- ۳۰- محمدی، ابوالحسن؛ *قواعد فقه*، نشر یلدا، دوم، تهران، ۱۳۷۴
- ۳۱- محقق داماد، *قواعد فقه بخش مدنی (۲)*، سمت، اول، قم، ۱۳۷۴
- ۳۲- عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی ج ۲*، امیرکبیر، سوم، تهران، ۱۳۷۳
- ۳۳- عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی ج ۳*، امیرکبیر، اول، تهران، ۱۳۶۷
- ۳۴- لطفی، اسداله؛ *قواعد فقه مدنی*، سمت، اول، تهران، ۱۳۸۱

**A Critique Letter on Humanities
Islamic Jurisprudence and Law**

Seid Fazallah Mousavi

Seid Mahdi Mousavi



Institute for Humanities
and
Cultural Studies
Tehran, 2014